

مصاحبه با جری آدامز رهبر سازمان شین فین



ایرلند

این دو حزب بعداً بعنوان فاین گیل (Fine Gael) و فیانا فیل (Fianna Fail) شناخته شدند. در طی چند سال ویدنیال تثبیت دولت مستقل جنوب رحبری در دو حزب بیش از پیش به سود بورژوازی متوسط و بورژوازی بزرگ تحکیم شد. بردوی این احزاب همچون هم‌دیفشان حزب یونیونیست (حزب وحدت طلب، مخالف جدایی ایرلند از بریتانیا) در جدایی ایالت شمال از جنوب و خلعت محافظه‌کارانه دولتهای ایرلند و انگلستان دینی می‌باشد. جمهوری‌خواهان پیوسته برای باور بوده‌اند که وجود مرز بین شمال و جنوب و حضور اتمالگران انگلیسی در ایالت شمالی بزرگترین مانع در مقابل هر گونه کوشش در جهت یک سازماندهی سوسیالیست در ایرلند است. نتیجه‌آبادر سرگرفتن شرایط موجود، ما تصمیم گرفتیم تا با اتخاذ یک سری سیاستهای مشخص به جلب حمایت فعال طبقه کارگر سوپا، کشاورزان حرد و کارگران روستایی بپردازیم. این سیاستها تنها منحصر به مساله ملی نمی‌شود بلکه مسایلی از قبیل بی‌کاری، مسکن، حقوق رفاهی، سازمانهای اجتماعی، مسایل فرهنگی، زنان، جوانان و غیره را در بر می‌گیرد که مفهوم آن از لحاظ سازمانی بوجود آوردن بخش امور زنان، اتحادیه‌های کارگری، فرهنگی و جز اینها طی چند سال اخیر بوده است.

در عمل، کار سیاسی از کانال پس از ۳۰ دفتر و مراکز مشورتی شین فین در سراسر کشور انجام می‌شود که میدان وسیعی از فعالیها را، از درگیر بودن در تئوریکات محاسبات گرفته تا کمک به اجتماعتی سازره با فروش مواد مخدر، در بر داشته است. به‌طور خلاصه ما با یک وضع بسیار دسوار سیاسی

سوال: اخیراً تحولی سوی چپ در درون جنبش جمهوری خواهی ایرلند آغاز گشته، ممکن است نظراتان را در اس مورد و اصولاً حکومتی کار سیاسی و توده‌ای شین فین توضیح دهید؟

جواب: قبل از عرچیزتایدیبه‌نریا تیدانوضیح مختصری درمورد ترکیب جنبش جمهوریخواهی آغاز کنم. جنبش جمهوریخواهی در ایرلند جبهه‌ای از سازمانهای مستقل سیاسی نیست بلکه عنوانی است کلی که، از نظر تاریخی، به‌ساخته‌هایی از جنبش رعایایی بخش ملی داده شده است که امروز عدی مشترکشان سرفراری یک جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی در سراسر ایرلند است. این ساحه‌ها عبارتند از شین فین (Sinn Féin)، ارتش جمهوریخواهان ایرلند (IRA)، حش ریان (Cumann namban) سازمان جوانان (Na Fianna Éireann)، سازمان دفاع از زندانیان سیاسی (An Cumann Cabhrach) همچنین انجمن حفاظت از مزارعای ملی که مسؤول مواظبت از گورهای میهن‌پرستان به‌خون نییده است.

تجربه ایرلند در سال ۱۹۲۱ در شرایط تهدید دولت بریتانیا مبنی بردامن زدن به یک جنگ جبارانه و سازش جناح بورژوازی درون رعیری نیروهای جمهوری خواه، که مطمئن شده بود مصالح خود را میتواند در کسوری مستقل در سعه جنوب سامین کند، صورت پذیرفت. دنیال بورش معافب ضد انقلاب، نیروهای جمهوری خواه در سال ۱۹۲۲ شکست خوردند و ساع بر زمین گذاشتند. چند سال بعد بحس دیگر از حبس به رعبری ایمون دی والرا (Eamonn De Valera) با اعتقاد به انقلاب حزبی از جنبش جدا شده و خود را با سیاستهای ابال مختار یا عمان ایرلند حیوی همساز گردانیدند.

روز و موسم • حربه ایرلند موقعی را خود آورده است که دنیا جای سوسالسم • لایه اخبار ن ساراهن سوسالسی را دستور ساخته است و زمانی علی دنیا دولت ن ساراهن سوسالسی حاصل خواهد شد •

سوال : با نظر به نص، صلاح اعتصاب غذای ربه‌ایان حمپوری
 حواء ارسند را حظور ارباسی می‌کند و رابطه آن را با
 حبس مسلحانه بطور کلی به چه صورت می‌بینید ؟

سند که الهه فاد هرگونه محابایی بود. واکس نظامی بریتانیا سیر نموده بارری از وضعیت دولت امپریالسمی در بحران بود، چنانکه در طول این مدت ارس و مردوران مسلح محلی حداقل ۸ نفر غیرنظامی را، شامل ۳ پسر چه ریز ۱۵ سال، کشتند و بیش از صدعا عر را زخمی کردند و معارن با آن شونده‌های ساسوالست در معرض دستگیری و خانه‌گردیهای ناگهانی قرار داشتند، و حکومت نظامی در مناطق مختلف پیوسته اعمال می‌شد. و اما در مورد رابطه اعتصاب عدا با مبارزه مسلحانه، ارسن جمهوریخواهان ایرلند (IRA) در جریان اعتصاب غذا، برای جلوگیری انحراف اعدا عمومی از موضوع اعتصاب، فعالیت خود را نعدا محدود کرد؛ اما شران از آنکه دولت سراسا از روی قصد اعتصاب غذا را طوعی خواهد کرد، با فعالسهای افلاسی مسلحانه را در حداقل نگاه دارد و از اس طری طری " عادی ساری سراط " را اعمال شد. ارسن حبه رخواهان فعالسهای مسلحانه خود را در عول اعتصاب دوم اعراس داد، چنانکه در سجه اس عملاب در عرض ۹ ماه، معس با سپاسر ۱۹۸۱، علقاب وارد آمده به سروهای سنامی سراسا، عریش اعراف خود آنها، ۲۷ کسد و بسس از ۱۵۰ زخمی بود. ۲۹ عر از کشته شدگان را سروهای مردور محلی (RUC و UDR) بریتانیا کلیل می‌دادند و این خود معکس کسد نفس ایسان به عموان سروهای پیسفراول بریتانیا در طری " محلی حله دادس حث " اس. در اثر حملات افلاسیون، میلیونها پوند خسارت مال بر ناسبات بخاری وارد آمد که مسئولیت مالی آن سوجه دولت انگلس خواهد بود. حملاسی سر در بود حاک انگلس سعلبه دستگاه نظامی سورب گرف و شیکه حفاظش این کسور مورد نفوذ عوامل افلاسی قرار گرف، با آحا که نیروهای جمهوریخواه موفقی به ترتیب دادس افخاری در ثرمینال نف سالوم وو (Sullom Voe) در جرایر ایرلند درست در روز ورود ملکه انگلسان به شدند. با چنان وضعیتی که اعتصاب غذا بوجود آورده بود تقریبا هر عفته یک جوان میهن پرست در نتیجه این اعتصاب جان خود را از دست می‌داد، پسر چه با سوسط ارسن بریتانیا در خیسانها به قتل می‌رسیدند و اختناق عمومی شدیدی برقرار بود، ارتش جمهوریخواهان احتیاج چندان به توضیح عملیات نظامی خود نداشت. البته این بدان مفهوم نیست که ارتش جمهوریخواهان، در سراسر ۱۵ سال مبارزه مسلحانه، عملیات خود را توضیح نداده باشند.

سوال: سیاست شس فس در مورد شرکت در انتخابات پارلمانی به چه علت و چگونه بود؟

حواب: شرکت نیروهای جمهوریخواه در انتخابات سال ۱۹۸۱ بیشتر به صورت تصادفی بود تا با نقشه قبلی و ماعدیتا

به مسور مداحله در امر انتخابات بود و به بئ استزاری انتخاباتی. روسر گویم، افقاسی بودن آن به این علت بود که موقعیتی سر اثر قوت یکی از نمایندگان سطعمای در پارلمان انگلسان بوجود آمد و این در حالی بود که از اعصاب غذای ساسی سدن مدنی می‌گذشت. با اخلاف چند ماهه در ایرلند جوسبی سیز انتخاباتی از طری دولت فرا حواده سد و این یکی نیز در موقعیتی بود که ۴ عر از اعتصاب غذا کنندگان با آن سارج در زندانهای شمال جان باخته بودند. جمهوریخواهان نصمم گرفتند تا از این دو موقعیت برای جلیع هرچه وسیع‌تر وضعیت زندانیان اسفاده کنند. از طری، این شرایط زمینه‌ای را پیش آورده بود با سوده‌های ایرلسدی حنابت خود را از افلاسیون اعصاب علنا به نمایش بگذارند و سیاست امپریالسم انگلس را در جهت حنایی جلوه دادس سارراب آزادخواهان به سکت بکشد. ساسی سدر، در ۱۰ آوریل سال ۱۹۸۱، در حالی که چهل و یکمین روز اعتصاب غذای خود را در ریدان می‌گرداند، با اکثریت ضاعی به سابدگی پارلمان انگلسان انتخاب شد. این پیروزی به معنای شکست مفتضحانه‌ای برای سیاست تبلیغی دولت ساچر بود. پس از این تجربه، دولت انگلس سرعت دیکه‌ای را به منظور جلوگیری از شرکت زندانیان سیاسی در انتخابات از پارلمان گذراند. اما در ماه اوت همان سال، در انتخابات میان دوره‌ای که به علت عداوت فهرمانی ساسی سندر صورت گرفت، وکیل او، اوشن کارون، با اکثریتی بسس از دور قبل انتخاب شد، و این پیروزی تبلیغی دیگری برای افلاسیون در بد بود. در همین مدس، در انتخابات ایرلند جوسبی سیزه ۲ ش از ریدانیان سیاسی شمالی به نمایندگی پارلمان ایرلند انتخاب شدند. ساسرزی نهمه این مبارزان به سراساس عضویت آنها در جنبش جمهوریخواهان بلکه برای تبلیغ مبارزات و خواستهای زندانیان سیاسی در شمال ایرلند بود.

استراتژی انتخاباتی شین فین، با تداخلاتی که دکر آن رفت و عمانك با تجدید نظرانی که در تحلیل بایمان از مبارزات جاری کردیم، آغاز گشت. شاید در این جا لازم باشد توضیحی از برخورد شین فین با ارکان‌های مختلف انتخابی در ایرلند و انگلسان بدسم. نیروهای جمهوریخواه به عیج وجه دولتهای لسن و یا دویلین را مشروع نمی‌دانند. عدم مشروعیت این دولتها ساسی از آن است که عر دوی آنها در آخرین انتخابات سراسی ایرلند در سال ۱۹۱۸، زمانی که شین فین ۷۸ کرسی از ۱۰۵ کرسی انتخاباتی را با رای آزاد مردم برنده شد، این خواست توده‌ها را نادیده گرفتند و تجزیه‌ای را بزور اسلحه امپریالسم بریتانیا بر مردم و کشور ایرلند

حکم کردند. بر طبق اساسنامه سازمان ملل، هیچ عضوی از این سازمان حق ندارد کرسی خود را در هر یک از ارگانه‌های خبره طلب در لندن، دولت و با تلفات اشغال کند. سازمان‌های بان سپه در چپس اسبابی آنها بر صافی عدم حضور در پارلمان سرت می‌سند.

ماررارت مسلحانه ارتش آزاد حسن ایرلند، مقام با اسرائیلی اسبابی شپس، همچنان ادامه دارد و با سب حداکثر تاثیر سیاسی، همواره از سوه‌های متفاوت، منبع مسلحانه و کالاهای سیاسی استفاده خواهند.

سوال: اگر ممکن است در مورد دیدگاه جنبش جمهوری خواهی ایرلند بر روی مسائل همسنکی سن‌المللی بوصحاتی بدهند؟

جواب: حسن جمهوریخواهی ایرلند همواره معتقد و معتقد به ایراسیونالیسم بوده است. دیدگاه انتزاسیونالیسی ما شاید به بهترین وجه با این نقل قول از جیمز کانالی، مارری که به علت فتناس در مارزه علیه حکومت بریتانیا در ایرلند در سال ۱۹۱۶ اعدام شد، خلاصه شود: "ما مصممیم که آزاد باشیم و در هر دوست و یاور استبداد دشمنی می‌یابیم، حتی اگر او از شمار ما باشد." و شاید بهترین شاهد این مدعا داوطلبان بسیاری از ارتش جمهوریخواهان ایرلند باشند که با شرکت در بریکاد بین‌المللی و مبارزه علیه فاشیسم، در انقلاب اسپانیا جان خود را فدا کردند. امروز ما خود را با نوده‌های تخت ستم و محروم در سراسر جهان براسن غم‌پیمان می‌دانیم. همسنکی، به علت محدودیت‌های مکانی و جغرافیایی، منافعه محدود به تبلیغ ماررارت سروغای انقلابی و حمایت از آنها شده است و ما واقفیم که این به‌سهایی نمی‌تواند مرجی برای قربانیان کمپنای شتیلا (Shatila) و کسینگ (Kassinga) و یا قربانیان مداخله نظامی انگلیس در ایرلند باشد. ما بخصوص با حل فلسطین، که به‌اسطه سیاست دولت انگلیس از سرزمین ملی خود رانده شده‌اند، احساس غم‌دردی می‌کنیم.

سوال: واکسی بریتانیا در سراسر رند جنبش جمهوری خواهی چه بوده است؟

جواب: سیاست بریتانیا در ایرلند، به‌دلیل ایدئولوژیکی، استراتژیکی و اقتصادی، در طول سالهای موالی هم پیوس تدریجی سکيلات و سازمانهای دولتی برای رسیدن به هدف دلخواه خود که همانا حفظ وضع موجود در ایرلند شده است.

از نفعه ستر سیاسی، چنان به‌نظر می‌رسد که انگلیس حاکمان رسیدن به‌نک سواقی در امارت شمالی است که امیدوار است از طریق موانعت بین حزب کارگر

سوال: دموکرات امارت ایرلند، چه اصول سیاسی (Principles) بدان دست زده؟ حصول چپس بر بعضی معدها مسلم است. احام بت رسته انتخابات سیاسی است. بدون بحظر انداحس موقعیت سروغان اسبابی انگلیس، نتواند حمایت اسبابی‌ها را جلب کند و صما ارتش جمهوریخواهان ایرلند را به‌اروان سیاسی بکشد.

از نفعه ستر سیاسی، صمت آنان سکت کاملاً بر حسن جمهوریخواهان است. ارتش بریتانیا در رواق سیاسی - سیاسی خود سابع فضاخباری برای دولت سار آورده است. عکس العمل‌های افراطی آن در برار بوده‌های اسبابی‌ها و اتحادیاس با سادسان حاسنار سلطنت طلب، سارون ارمایی دولت بریتانیا را، که شاید چند اصلا چپس می‌توانست فراهم آورد، نابود ساخت.

تاکید شدید حزب کارگر سوسال دموکرات بر سهیم



بودن در قدرت سیاسی آنها را به اتحاد با حسن ارت حزب یونیوسیت در سال ۱۹۷۶ کشاید. حالت آن است که این کوششها، که صما مورد حمایت دولت دولس (دولت ایرلند حری) بررود توسط سروغان سمناسی سلب ظلمان و حسهای مافوق ارجاعی ساسگران سوسیت که برای سشار ۵۰ سال خاص صافی بریتانیا در امارت شمالی رنده به‌سکت کشیده شد.

بعد از آن حربه، انگلیس در اسرائیلی سیاسی - سیاسی خود، البته با جد صمان انداد غایی، ستراس داده است. در صمان حال که سیاست جلب حمایت صمه مویت اسبابی‌ها سکتان در سسور کار دولت انگلیس است، اما سترگی ملی با جهت ظلمان اعمال می‌شود. این بدان معناست که سسور بان سرتوت

در حمله خود را پس از پس منوجه
 در این نظامی جمهوریخواه کرده است. در حمله
 خود به این سیاست، سوء قصد احزاب رنجر سارمان
 پس از و عضو دیگر اس سارمان را می توان مثال زد.
 از لحاظ نظامی، بریتانیا امیدوار است مدت فتر
 انگلیس سارمان جمهوریخواه را به چنان سطح نازلی
 برساند که نتواند مانع توسعه روابط پس حزب کارگر
 سوشال دموکرات و سوسیستها و همکاری آنها در
 محارب ساحل بوده های ناسیونالست گردند. البته
 این بدین سبب در صورت ممکن جلوه نماید، ولی شرایط
 عینی می شود دیگران است. اراده ایرلند با برای کس
 آزادی محکم تر از آن است که با این دساست
 ضعف گردد. تعداد آراء پس فین و حمایت فعال
 مردم که بر غول ۱۰ سال مخاصم مسلحانه ارتش جمهوری
 جوانان را پادار شده داسه است، گواه این
 امر است.

سوال: با در نظر گرفتن سیاست امبرالسم بریتانیا
 اگر ممکن است، توضیحی در مورد تحولات سیاسی
 درون جنبش جمهوریخواهان و مشکلاتی که این
 جنبش با آن روبروست بدهد.

جواب: در اوّل سالهای این عاز از مبارزه سیاسی جنبش
 تصور می کردند که اس مبارزه از نوع گواه مذکور خواهند
 بود. البته وضعی مانند مذاکره ارتش جمهوریخواهان
 با دولت انگلیس در سالهای ۷۱ و ۷۵ به این طور
 فکر ناممکن زد. اما در واقع، چند سال از این وقایع
 گذشته بود که حتمیت این مبارزه و عودت بودن آن
 بر همه آشکار شد.

به علاوه مدت زمانی طول کشید تا به این موضوع
 پی برده شود که مجرا بودن کار سیاسی از کار نظامی
 و جنبی بعضی اوقات مقابل این دو می تواند موجب
 عقب نشینی دولت بریتانیا و تأسیس یک دولت متحد
 در ایرلند گردد. مهم ترین از همه، شرایط بسیار
 متفاوتی است که در اثر تجزیه ایرلند به مناطق شمالی
 و جنوبی بوجود آمده است. در ایالات شمالی مابین
 امپریالسم انگلیس در اثر حضور مستمر نیروهای نظامی
 استالگر حضورش کلاً ملموس برای مردم در آمده
 است. در ایرلند جنوبی، در همان حالی که اکثریت
 مردم مقابل به اتحاد و حمایت مناطق شمالی و جنوبی اند،
 در اینها سوالاتی که صفا اکثریت مردم موسم محفاسست
 آنهاست، جنبش سیاسی را معارض مانع، ضرب
 و دود خود می بیند. سارمان در حالی که دولتهای
 دولتی عاز را حمایت اتحادها و جنبش پس از
 می کند، در عین حال سرکوب جنبش جمهوریخواه می بردارد.
 آنها بعضی از مسائل اساسی اند که جمهوریخواهان

سیاست، در فرموله کردن سیاست و استراتژی سان
 برای زمانی طولانی به آنها رجوع می نماید. اولین مانعی
 که سیاست از آن عبور کرد، و هر دو دولت دوپلیس
 و لندن ما را عطف آن سون می دادند، خارج شدن
 از استروای ساس بود. البته در این مورد ما در ایالات
 شمالی بسیار موفق بوده ایم اما در منطقه جنوبی چنانکه
 'ار آرا ما در احزاب احزاب پارلمان اروپا مشهود است
 با وضعیت بسیار سنگینی روبرویم. آنجاست که ما
 تمامی سعی مان را، در جهت سازماندهی، تجدید نظر
 در ساسمان و تطبیق آن با وضعیت موجود طبقه کارگر،
 کشاورزان حرد و محرومین جامعه که از نگرش سیاسی
 در سطح نازل تری از مردم شمال فرار دارند و نگرانی های
 آنها حول مسائل صنفی و بغای اقتصادی دور می رند،
 متمرکز کرده ایم.

از لحاظ سیاسی، ارتش جمهوریخواهان ایرلند هیچ
 گونه وضعی در مورد حدود سوانای خود ندارد و سارمان
 در مصاحبه های متعدد سراسر را مدکر شده است که مرکز خیال
 خود را موقت می داند تا حتی امکان، با وارد ساختن
 حشرات مالی و حاشی، سروای اشتالگر انگلیس را
 محصور به حلقه خاک ایرلند کند. خلاصه کنیم، وضعیت
 پس فین سازماندهی و بسیج مردم ایرلند در فعالیت
 سیاسی بر علیه امپریالسم بریتانیا و توسعه ارتش
 جمهوریخواهان سرکوب مردم و دولت بریتانیا به ترک
 ایرلند است.

سوال: سیاست ایالات جنوبی نسبت به جنبش جمهوری
 خواهی چه بوده است؟

جواب: از زمان تأسیس اولین دولت مستقل در جنوب ناپه حال،
 یعنی در طول ۶۳ سال، تمامی دولتهای ایالات جنوبی
 مخالف جنبش جمهوریخواهی بوده اند و تمام مدت با
 امپریالسم بریتانیا در سرکوب جنبش جمهوریخواهی
 همکاری مستقیم داشته اند.

در یورش صدامتلاب در سالهای ۴۳ - ۱۹۴۴، آنها
 به تلاشی عملیات ارتش جمهوریخواه ۷۷ زندانی جمهوری
 خواه را بدون هیچ دلیلی اعدام کردند. در دهه های
 ۲۰، ۳۰، ۴۰ و ۵۰ جمهوریخواهان بدون اتهام یا محاکمه
 در زندان افکنده می شدند، و این تعرضات در حالی
 می گرفت که ارتش جمهوریخواهان ده ها سال بود
 سرکوبه عملیات مسلحانه را توسط اعضای خود در ایالات
 جنوبی اکتفا قذح کرده بود. در دهه گذشته صدامت
 س از جمهوریخواهان توسط دادگاه های ویژه و در عین
 حالت مستقیم در زندان محکوم شده اند. امروزه سرکوب
 دایم، چنانچه هر روز، مصاحبه رادوسی با یک سوس
 - جنبش ارتش ضد پارسی جمهوریخواهان ممنوع است.
 'از حمله فواین دید که سیاست همکاری مستقیم دولت
 جنوبی با امپریالسم بریتانیا است، دستگیر و



نویس

هدف از احسان دادن مقوله "آموزش واژه‌ها و مقوله‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی" در مورد "چنان"، دستاویزی به نوعی زبان و فرهنگ استوار و مسرک است که بتواند در حدیث اتحاد و نوعی دالوگ برای سبیل ارتباط فکری در حین چپ‌فرار کند. علاوه بر این مقوله می‌تواند در ارتقاء دانش‌پژوهی و آموزش سیاسی هواداران - سازمانی و کلیه علاقه‌مندان مجدد واقع شود. در هر شماره "چنان"، ما واژه‌ها و مقوله‌های را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این مقوله حاصل مطالعه و تحقیق رفیق با رفقای سینه‌کننده آن می‌باشد و به‌طور هفت‌حریه "چنان"، درج می‌گردد. از کلیه خوانندگان "چنان" می‌خواهیم تا واژه‌ها و مقوله‌های مورد سؤال خود را برای ما بنویسند و ما در قسمت مناسب آنرا در این مقوله خواهیم گذاشت.

"چنان"

آگاهی طبقاتی

طبقه - سیاسی می‌گردد. با این حال روند شکل‌گیری آگاهی طبقاتی برای طبقات مختلف یکسان نیست. بورژوازی حاکم بنابر مبارزه تاریخی خویش علیه طبقات و اشراف حاکم فتودالی و در پیرویه کسب قدرت سیاسی، آگاهی طبقاتی خویش را کسب کرد و از طبقاتی در خود به طبقاتی برای خود بدل شد. با این حال مبارزه دهقانان متوسط در کار بورژوازی علیه اشراف فتودال هم به دلیل موقعیت عین طبقاتی و هم به دلیل موقعیت حقوقی که در آن قرار داشت ساده‌گی میسر نبود. مثلاً مارکس در ۱۸ رومر لویی سپارت می‌دید که چگونه دهقانان متوسط فرانسه حقوق رای دمی خویش را سراسر موقعیت خاص‌شان در

مارکس، از همان آثار اولیه خود، بر نیاز مابین موقعیت عینی طبقاتی انسانها و درجه آگاهی دمی آنان از آن موقعیت عینی پای می‌نهاد. موقعیت عینی طبقاتی به‌رمانی روابط حقوقی بلکه بر اساس چگونگی موقعیت (مالکیت و کنترل یا سلب مالکیت) انسانها نسبت به ابزار تولید اجتماعی تعیین می‌گردد. مثلاً در جامعه فتودالی که شبکه‌ای از سلسله مراتب حقوقی تعاونی‌های اجتماعی در چگونگی مالکیت بر ابزار تولید را تعریف می‌کرد، تا زمانی که زمین مهم‌ترین ابزار تولید بود و مالکیت به‌لایزال اشراف و کلیسا بر آن اعمال می‌شد، یک اریستوکرات همواره یک اریستوکرات باقی می‌ماند و دارای امنیارات مشخص اجتماعی بود. از این رو سیستم روابط مالکیت در پس شبکه‌ای از سلسله مراتب حقوقی پنهان بود. ولی با ظهور بورژوازی شهری، گسترش تولید کالایی و رشد سرمایه‌مانوفاکتور و (سایه‌ها) صنعتی و دست‌انداری بورژوازی به بخش‌های کشاورزی اقتصاد، روابط حقوقی موجود که انعکاسی از روابط مالکیت کهنه بود، موضوعی از روابط مالکیت نوین در حال تکوین متمایز گشت. از این رو در وهله نخست می‌بایست آگاهی طبقاتی (آگاهی از موقعیت خود در پیرویه تولید و نسبت به ابزار تولید) را از آگاهی حقوقی متمیز کنیم؛ چرا که از لحاظ تاریخی، به‌خصوص برای بورژوازی، خرده‌بورژوازی و دهقانان میانه حال در مبارزه‌شان علیه اشرافیت فتودال، روابط حقوقی موجود مانعی در مقابل شکل‌گیری آگاهی طبقاتی بود.

از دیدگاه مارکس، شکل‌گیری آگاهی طبقاتی در پیرویه مبارزه

تولید، علیه منافع طبقاتی خویش بکار گرفتند. وی می‌نویسد: تا آنجا که میلیونها خانوار در شرایط اقتصادی خاصی سر می‌برد که شیوه زندگی، منافع و فریض آنها را از شیوه زندگی، منافع و فریض طبقات دیگر متمایز می‌سازد و به‌طور حدسمانه در نقطه مقابل شیوه زندگی، منافع و فریض طبقات دیگر قرار می‌دهد - این خانوارها تسکین طبقه می‌دهند. ولی چون میان دهقانان خرده‌مالک فقط ارتباط محلی برقرار است و همانندی منافع آنان هیچگونه اسرار، هیچگونه پیوند ملی و هیچگونه سازمان‌سازی بوجود نمی‌آورد - این دهقانان تسکین طبقه می‌دهند. به همین جهت آنها نمی‌توانند از منافع طبقاتی خود نام خود دفاع کنند - خواه از طریق پارلمان یا سادوخواه از طریق مجلس کنوانسیون. آنها نمی‌توانند خود نماینده خویش باشند و دیگران باید نمایند آنها باشند. نماینده آنها هم در عین حال باید آقای آنها و اوریه مافوق

درمانده با - مدانی، روند شکل گیری افکار طبقاتی پرمارا در مبارزه‌ای علیه سررواری محاور است. با اجماع بر این سس از پیس پروم کار در کارخانجات بزرگ صنعتی و نبود وسایل ارتباطی، مبارزه در آغاز محدود (به ت کارخانه یا رسته صنعت) پروولاریا برعکس می‌تواند کلسه طبقه را دربر گرفته و رسته را برای شکل گیری ارار سیاسی-ایدئولوژیک مبارزه یعنی حرب پروولتری، فراهم آورد. از این رو است که روند شکل گیری افکار طبقاتی همگام با روند سازماندهی آن صورت می‌گیرد. لیس معتقد بود که شکل گیری افکار طبقاتی پروولاریا مشروط به آوردن افکار سوسیالیستی "ارحاج" است. چرا که پروولاریا در پروم مبارزه خودخودی علیه سررواری نهادهای دادر به شکل دس "افکار سوسیالیستی" (احادیثی) می‌گردد. اگرچه روسترمان مدلولوم دسترسی دانه و سار حذافلی که به‌طور واسطه با پروم پیوند دارند، دادر به شکل دس افکار سیاسی سوسیالیستی می‌باشد. با این حال از آنجا که مارکسیسم علمی است که سارها نتایج گرفته از زندگی و مبارزات پروولاریاست، پرداخته‌های فکری آنان تنها در طبقه کارگر است که مقبول اند. با لیس با حسن خودبخودی آن موجب شکل گیری حرب سوسیالیستی می‌گردد. از این رو لیس با سرچورد رورا لوکزامبورگ که به روند گامی و حرب خودخودی طبقه کارگر پربها می‌داد، مخالفت کرد.

برای ساخت دفسر از مفهوم افکار طبقاتی بررس مقله "ایدئولوژی" ضای است.

ایدئولوژی

برای مارکس، انگلس و لیس مقله "ایدئولوژی" مترادف افکار طبقاتی است که در اسکال معین: حقوق، سیاسی، مذهبی، سری و فلسفی، موجودیت می‌یابد. اگرچه (برخلاف نظریات آکادمیسی‌های بورژوازی) هیچ نگرشی نیست که بر آن مهر یک با چند (به‌طور الفاظی) ایدئولوژی خورده باشد، با این حال هر نگرشی لروما یک "ایدئولوژی" نیست. تنها در پروم مبارزه طبقاتی، به‌وسه در حلق ایدئولوژی، است که نگرشهای مختلف خانگاه "ایدئولوژیک" خود را ساز یافته و به افکار طبقاتی بدل می‌گردند. مصادا اسک چوکش واقع‌گرا بودن یک "ایدئولوژی" به امری اضافی بلکه به معنی سحنی از پایگاه طبقاتی آن است. از این رو کنار سرن وای "ایدئولوژی" برای "افکار کاذب" (False - Consciousness) صحیح نمی‌باشد.

از آنجا که مارکس و انگلس در عین حیات خود هم خود را صرف سوسره نمودن جهان سس (ایدئولوژی) پروولتا با از طریق سده انواع ایدئولوژیهای غسروولتری نمودند، از این رو اس

مقله را برای نگرشهای مورد نقد خود برای سس - س مثل صفای احراقات آن سکار می‌زدند. دو ساعه اصلی تفکر انتقادی فلسفی در آثار، درمقال مارکس و انگلس قرار دادند:

۱ - فلسفه ایده‌آلیسم آلمان و شکل در نقد منطکسکی، مخصوص در ارزیابی نفس "خود" ۲ - فلسفه ماریالیسم فراسوی و سورناخ در نقد مذهب - اگرچه هیچیک از دو شاخه فوق در رسالت اسفاد جوس موفق کامل کس نکردند، با این حال، صمه را برای تکمیل آن اسفادات از طریق نقد متقابل خود این دو فکر فلسفی فراهم آوردند. عصاره اس دسناورد تاریخی در مقله "ایدئولوژی" به‌مفهم افکار طبقاتی خلاصه می‌شود، یعنی اسک چوکش واقع‌گرای سحر اسانها تابع مستقیم از زندگی مادی (پایگاه طبقاتی) آنهاست. از همان آغاز، در پروم نقد اس دو فکر فلسفی، مارکس و انگلس محصلت "واروه" (inverted) اندیجین‌های حاکم پی زدند. شکل برآن بود که جهان واقعی حلق انده مطلق است (و نه برعکس) که سحه سیاسی آن سوجه حکمت مطلقه پیوس بود؛ و هورناخ که فلسفه شکل را سویی مدبک عظمی می‌کرد، سده اصانه یک ارخود سگانگی فلسفی و دسکتر حاص سس را به مادی قلمداد می‌نمود و از اس حقت با حده سده مادی سحر اساسی انگست می‌گذاشت؛ با این حال، سس از سده اس غور فکر پا فرار گذاشت و سس داد که اس "ایدئولوژی" است. سحر صرفا سده پدیده دس که سحر ساسامانی‌های مادی موجود به داند، سب، بلکه اس "واروه" افکار اردسای واقعی سده در "واروه" بودن خود دسای واقعی دارد. اثر فکر شکل سحر است، اس "حرب ازین نوع سیاسی"، است (مارکس، نقد فلسفه دولت شکل، حاینگاری)؛ از این رو مارکس به‌سوه سده شکل سوسط سگن‌های مادی، که در سده رفه کمودسای فکر شکل از طریق صرفا سده آن زدند، اعراض نموده و می‌گفت: "آنها فراموس می‌کنند، که آنها صرفا ثمره‌های دیگر را درمقال ثمره‌های وی می‌گذارند و از این رو به سبب وجه به‌مبارزه علیه دسای واقعی موجود برسمی‌خیزند." (ایدئولوژی آلمانی، جلد ۱، بخش ۱)

در حالی که نقطه آغاز به‌سحر، بلکه واقعیت مادی است و به ساسامانی انسانها در ساد‌های درونی دنیای مادی تهفیه است. از این رو است که کج‌پداریهای ایدئولوژی طبقه حاصه است که ریس به در مافع مادی آنان دارد (نه از طریق نقد بلکه از طریق افلاط برای حل تضادهای دنیای واقعی میسر است. "سلاح نقد سچگاه نمی‌تواند جای نقد سلا را سگیرد" (مارکس)؛ بدس سرنیب مارکس عصاره ایدئولوژی پروولتری را در ستر مبارزه طبقاتی و در نقد ایدئولوژیهای موجود حاکم، پی ریری نمود. سدها در طی تحفقات اقتصادی جوس سسای داد که این "واروه" در دنیای واقعی در دیناسم ویره سیوه تولید سراسده ر به‌سده است. سسسم کافیتی در سارکرد بارار موجب آن می‌گردد. نه روابط واقعی اجتماعی به‌سورب روابط پس امبا نامر سده و روابط استتماری در تولید، به‌سورب روابط "آراد" در سارار سطر آمده و پایگاه ایدئولوژی "آرادی، ساری و مالیت"

از خانه تبیی به تئاسر آمده بود و من
سمی دانستم. مثل کودکی روستایی ساده
و مثل توستی کوهی هوشیار بود. رفیقی
ساده و هوشیار، نقاد و مهربان...
رفیقی انقلابی که به ما درس‌ها آموخت.
رفیق کسر پویان و دیگر رفیقا
بنیان گذاران جنبش نوین انقلابی ایران
بودند. جنبشی که هنوز ارزش‌های تاریخی
آن به‌ویژه در زمینه پیوند خلاق
تئوری و پراتیک و نتایج نوین آن
موضوع مسازات تئوریک نیروهای
انقلابی است.



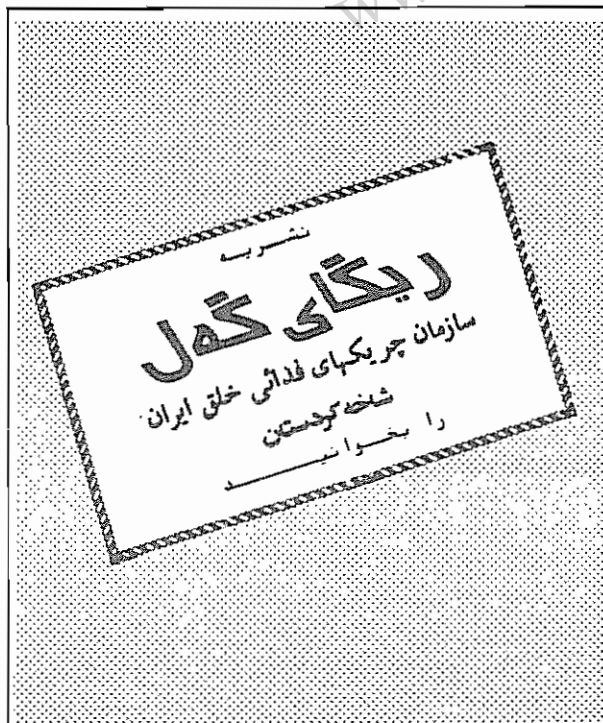
دو سالگرد به‌خون‌تپدن فدائی خلق رفیق
امیر کوسر پویان

روبرواری و علمای (اقتصاد، سیاست و فلسفه) واسه به
آن را فراهم آورد.

لش معصود بود که پرولتاریا به دلیل جایگاهش در سیستم
سولد سرمایه‌داری و در روند مبارزه طبقاتی علیه سوزووازی،
درمیاس یک طبقه قادر به ارتقا " آگاهی طبقاتی " خود فراش
ار آگاهی " تردیدنونی " بیست و از این رو " سوسالیم از
حارج " (توسط روسفکران) می‌بایست این تکمیل آگاهی طبقاتی
را فراهم آورد، با این حال برای لنین، پرولتاریا همواره " ار
لحاظ عزیزی سوسالیست است " و حزب کمونیستی به‌متابه ارگان
رسمی پرولتاریا ار و جذب تئوری سوسیالیستی روسفکران و پیشروترین
عناصر طبقه کارگر شکل می‌گیرد. این مساله در آثار گرامسکی،
کموبست انقلابی ایتالیایی، به‌جوبی بیان شده است. گرامسکی
با تمایز " ایدئولوژی ارگانیک " از انواع " ایدئولوژیهای
دلخواهی " (Arbitrary Ideologies) آن را به‌صورت دبل
بیان می‌دارد: " جهان بینی که به‌طور ضمنی (implicitly)
در بشر، حقوق، اقتصادیات و همه مظاهر زندگی فردی و اجتماعی
وجود دارد " (منتخبات یادداشت‌های زندان، ص ۲۷۶) از این رو
برای گرامسکی " ایدئولوژی " صرفا مجموعه‌ای از ایده‌های مجرد
بیست بلکه شناخت مشخصی (concrete) است که در پراتیک
زندگی دخالت می‌کند. گرامسکی در ایدئولوژی " چهار سطح را
تشخیص می‌دهد: فلسفه، مذهب، عقل سلیم (common sense)
و فولکلور. از این رو برای شکل‌گیری ایدئولوژی پرولتری تئوری
سوسیالیستی روشفکران یا عقل سلیم / فولکلور غریزتا سوسیالیستی
طبقه کارگر هیچ‌یک به‌تنهایی کافی نیست بلکه از ترکیب ارگانیک
این دو است که " ایدئولوژی ارگانیک " پرولتاریا شکل می‌گیرد.
بدین ترتیب است که گرامسکی به‌صورت شکل‌گیری " روشفکران
ارگانیک " (organic intellectuals) طبقه کارگر تاکید
می‌کند.

سابع

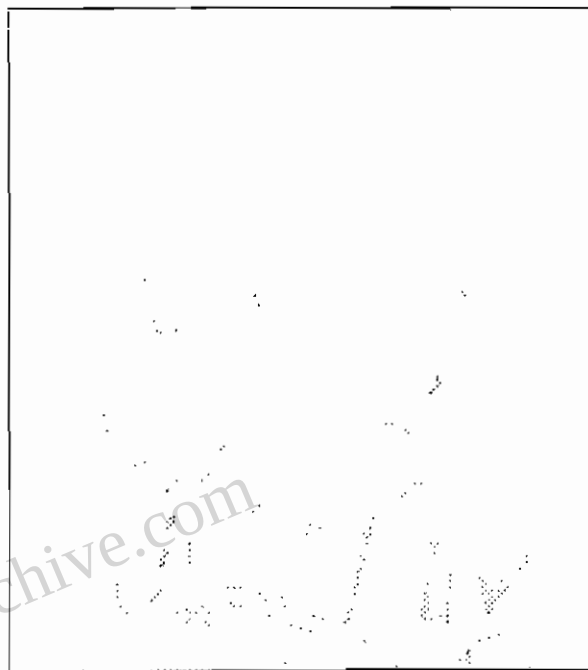
- 1- Bottomore, Etal, A Dictionary of Marxist Thought.
- 2- Gramsci, Antonio 1929 - 35 (1971). Selections From the Prison Notebooks.
- 3- Larrian, Jarge 1979: The Concept of Ideology- 1983: Marxism and Ideology.
- 4- Lenin, V.I. , 1902 (1961): "What Is to be Done"
- 5- Lukacs, G. 1923 (1971): History and Class Consciousness.
- 5- Mann, Michael, 1973: Consciousness and Action Among the Western Working Class.
- 6- Meszaros, Istvan, ed. 1971: Aspects of History and Class Consciousness.



لنین و برنامه ارضی

مباحثات کنگره چهارم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۹۰۶

وادی که سیاست آن را از سر راه خود بردارد. در این میان نقش لنین از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. لنین مهم‌ترین سوریس سوسیال دموکراتی روسیه در زمینه مساله ارضی و به‌ویژه تدوین برنامه ارضی بود و آثار پرارتری از خود بر جای گذاشته است. دیدگاههای انقلابی و اصولی لنین در بیشتر مواقع در تقابل با نظریات اپورتونیستی مستویکها، تروتسکی و غیره قرار داشته و از انسجام و جامعیت ویژه‌ای برخوردار بود. مطالبه نظریات لنین و آشنایی با مبارزات ایدئولوژیک و پلمیکهای وی علیه نظریات انحرافی درمورد مساله دهقانان و تدوین برنامه ارضی برای مارکسیست - لنینیستهای ایران بسیار ضروری است. مجموعه این نظریات و پلمیکها که یکی از گنجینه‌های مهم ادبیات مارکسیسم انقلابی محسوب می‌شود، هنوز هم بعد از حدود هشتاد سال از تازگی و مناسبت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند بخصوص از لحاظ متدولوژیک کارمایه‌ی مهمی برای تدوین برنامه ارضی حزب طبقه کارگر در جوامعی شبیه جامعه ایران باشد. در این مرحله از جنبش انقلابی ایران که دستیابی به یک برنامه پرولتری اهمیت ویژه‌ای یافته (و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مدتی پیش طرح برنامه حزب طبقه کارگر ایران را ارائه داد)، آشنایی با دیدگاههای مختلف سوسیال دموکراتهای روسیه درباره برنامه ارضی می‌تواند در تدوین بخش ارضی برنامه حزب طبقه کارگر ایران بسیار مفید واقع شود.



پیشگفتار

ما در این مقاله تنها بخش کوچکی از مباحثات سوسیال دموکراتهای روسیه در مورد مساله ارضی را که در کنگره چهارم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه صورت گرفت، مورد بررسی قرار می‌دهیم. انتخاب مباحثات این کنگره از آن جهت بود که در آن مساله دهقانی و ارضی و تدوین برنامه ارضی پرولتاریا وسیعاً مورد بحث قرار گرفت و شاید بتوان گفت که کنگره چهارم تنها کنگره حزب بود که مهم‌ترین بخش دستور جلسه آن را مساله ارضی تشکیل می‌داد. علاوه بر بررسی طرحهای ارائه شده به کنگره چهارم درمورد مساله ارضی، در پرنو استفاده‌های لنین به این طرحها، اشاره‌هایی نیز به تئوری انقلاب لسن و به‌ویژه سی‌وقفه بودن فرایند انقلاب دموکراتیک با سوسیالیسم خواهیم داشت.

شناخت و حل مساله ارضی و دهقانی را شاید بتوان مهم‌ترین مساله انقلاب دموکراتیک روسیه دانست، مساله‌ای که اختلافات بسیار مهمی را در بین سوسیال دموکراتها و نارودنیکها، از یک سوی، و بین خود سوسیال دموکراتها، از سوی دیگر، باعث گردید. از همان ابتدای تشکیل حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در سال ۱۸۹۸ و حتی پیش از آن، از زمان شکل‌گیری مارکسیسم در روسیه و تشکیل گروه "آزادی کار" توسط پلخانف و دوستانس در سال ۱۸۸۳، چگونگی برخورد به این مساله و تدوین برنامه ارضی حزب پرولتاریا یکی از مشکلات بزرگ سوسیال دموکراتهای روسیه

ساری بود که حاحهای بلشویک و منسوبک کنگره حریبی سترگی برگزار می‌کردند. وضعیت مهم درباره این کنگره این است که مسویکها ار اکثریت محکمی در آن برخوردار بودند (۶۴ رای در مقابل ۴۶ رای بلشویکها) و از این رو اغلب مصوبات آن مامیت منسوبکی دارد. لنین درباره مصوبات این کنگره نوشت: "سنا از مهم‌ترین قطعنامه‌های این کنگره ((برنامه ارضی، قیام مسلحانه و روش

کنگره چهارم (با کنگره وحدت) حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه از ۱۰ تا ۲۵ آوریل ۱۹۰۶ در استکهلم برگزار شد. ۱۱۴ نفر با حق رای و ۴۴ نفر با نظر منورشی به‌مابیدگی از ۶۴ سازمان حریبی در آن حضور داشتند. لسن، گروپسکابا، لوبچارسکی و استالیس از نمایندگان بلشویکها بودند. پس از اسعاب در حزب، در کنگره دوم آن در سال ۱۹۰۳، این اولین

طرح رژکف

طرح رژکف برسمای حفظ ویز گهای اصلی سرمایه قدیمی حرب ۵ (مصوب کنگره دوم در سال ۱۹۰۳) و ایجاد تعبیرات ادک استوار بود و هرگونه مصادره یا ملی کردن رصها را نادرست می دانست. لنین درباره رژکف نوشت:

"وی نخواستار تقسیم و نه ملی کردن زمینها است. آنچه او می خواهد حذف حمله مربوط به زمینهای جداسده از دهقانان و جایگزین کردن آن با حمله ای جنبه حمله ربر است: کلبه رصهایی که به عنوان وسیله ای جهت اسارت اقتصادی دهقانان عمل می کنند، بدون پرداخت عرامت به دهقانان واگذار شود." ۶

رژکف معتقد بود که باید بین رصهایی که روابط پیش سرمایه داری بر آنها حاکم است و رصهایی که به روش سرمایه داری گشت می شوند، تمایز قایل شد.

از نظر رژکف اغلب زمینهای بزرگ در روسیه از نوع دسته دوم بودند و از این رو وی تقسیم آنها به قطعات کوچکتر را از دیدگاه سوسیال دموکراسی نادرست ارزیابی می کرد. لنین این تحلیل رژکف را اساسا اشتباه می دانست:

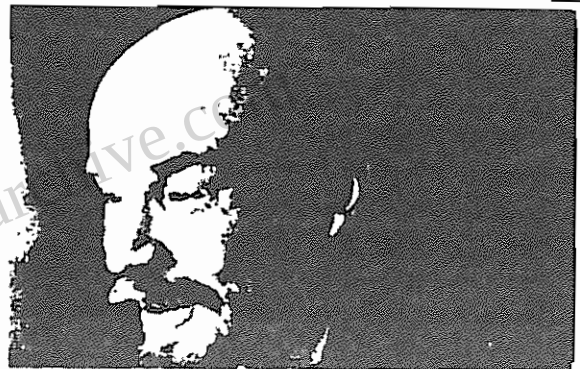
"به ما گفته می شود که زمینهای بزرگ از نوع سرمایه داری پیسترفته اند. مصادره و تقسیم آنها اقدامی ارتجاعی است... ما فکر می کنیم این عقیده غلط است... به طور کلی، زمینهای بزرگ در روسیه امروزی بر نظام بندگی فئودالی استوارند و نه نظام سرمایه داری." ۷

طرح رژکف در کنگره از طرف هواداران قابل توجهی برخوردار نبود و بنابراین در همان اوایل از دور حشها خارج شد.

طرح قطعنامه تاکتیکی

این طرح برخلاف طرحهای دیگر ارائه شده به کنگره، اساسا دانش هرگونه برنامه ارضی ارجاح حرب طیف کارگر را عیراصولی می دانست بر این پایه قرار داشت که حزب باید تنها یک قطعنامه تاکتیکی اتخاذ کند. تعداد قابل توجهی از نمایندگان بلشویک و منشویک طرفدار این طرح بودند. ۸ طرح قطعنامه تاکتیکی توسط فین (Finn) به کنگره ارائه شد و از ۳ بخش تشکیل می شد: ۱) برنامه حداکثر که طبق آن کلیه رصها ملی می شود و این در صورت اسفرار دیکتاتوری پرولتاریا مسر است (توجه داشته باشیم که از نظر لنین ملی کردن رصها در انقلاب دموکراتیک سیر مسر است) ۲) برنامه حداقل که دربردارنده خواستهایی برای ناسودی سفایای سروز است ۳) قطعنامه تاکتیکی که رابطه سوسال دموکراسی را با جنبش دهقانی مشخص می کند و شامل مصادره املاک بزرگ و تقسیم آنها بین دهقانان است. فین شخصا در کنگره حضور نداشت ولی ۲ تن از طرفداران وی به نامهای استرومیلین (از منشویکها) و لیادف (از بلشویکها) فین پشتیبانی از این طرح قطعنامه مشترکی سیر به کنگره عرض کردند. ۹ طرفداران طرح قطعنامه تاکتیکی براس ساور بودند که مساله ارضی و دهقانی برای سوسال دموکراسی تنها جنبه تاکتیکی دارد

برخورد به دوما ی دولتی ۱) مهر و سان نظریات اسنابه حجاج منشویک ساسی را درخود دارد ۲) و اضافه کرد که "ما ساند علیه خصمیات اسنابه کنگره مبارزه ایدئولوژیک کنیم." ۳ نکته دیگری را که درباره کنگره چهارم باید سخطر داشته باشیم، این است که علاوه بر وجود اختلافات اساسی بین بلشویکها و منشویکها درباره مساله ارضی، دربین خود بلشویکها سیر اختلافاتی در اس کنگره وجود داشت که به ارائه طرحهای مختلف به کنگره مسخر شد. سپس از برگزاری کنگره، به علت وجود اختلافات درباره مضمون برنامه ارضی حزب کمیسون ارضی ویزه ای با ترکنت لنین، یلخائف و ماسلوف (مهم ترین تنورسین منشویکها درمورد مساله ارضی) ایجاد شد تا طرح مشخصی را برای بررسی به کنگره ارائه دهد. این کمیسون سوانست به نتیجه متخصی رسد و چهار طرح برای بررسی به کنگره ارائه داد. در طول مباحثات کنگره نیز دو طرح دیگر به این چهار طرح اضافه شد و بنابراین مجموعا شش طرح برای تعیین موضع حرب کارگر سوسیال دموکرات روسیه درمورد



مساله ارضی در کنگره چهارم مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این شش طرح عبارت بودند از:

- ۱ - ملی کردن کلیه رصها (لنین)
- ۲ - سوسیالیزاسیون یا واگذاری رصهای بزرگ به ارکانهای خودمختار محلی (ماسلوف)
- ۳ - تقسیم زمینها (بوریسف Borisov و اسنالین)
- ۴ - طرح کمیسون ارضی (اشمیت)
- ۵ - حفظ برنامه ارضی ۱۹۰۳ حزب با ایجاد تغییرات جزئی (رژکف Rozhkov)
- ۶ - نفی برنامه ارضی و اتخاذ یک قطعنامه تاکتیکی (استرومیلین و لیادف Lyadov)

به طرح اول درواقع طرحهای اصلی برنامه ارضی در کنگره بودند که ما بعدا آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد. طرح چهارم هیچ تفاوتی با طرح لنین نداشت، جز آنکه تنها "شق الف" آن را می پذیرفت. ۱۰ طرح پنجم بر این اساس قرار داشت که برنامه قدیمی حزب مصوب کنگره دوم (۱۹۰۳) با تعبیرات اندکی حفظ شود. طرح ششم برخلاف پنج طرح دیگر مخالف هرگونه برنامه ارضی بود و بر این اساس تنظیم شده بود که پرولتاریا تنها از طریق قطعنامه های تاکتیکی روابط را با دهقانان مشخص کند. حال طرحهای فوق را یک به یک مورد بررسی قرار می دهیم.

و محصه سرماهای استرومیس در حرای خود در کنگره اعلام کرد که سرماه حرب سها ساد حواسهای را مطرح ساد که ساد مفاع طیفانی همگی پرولتاریا ساد. وی ناکند می کرد که در سرماه حرب طغه کارگر باید خواستهای گنجانده سود که از مفاع دهقانان حردمالک دفاع کند، مفاعی که با مفاع همبستگی پرولتاریا هیچ وجه اشتراکی ندارد. البته استرومیلیس و طرفداران دیگر این طرح سراسر باور نمودند که پرولتاریا با مفاع دهقانان اساسا کاری ندارد. سرفکس، آمان نیز تاکید می کردند که پرولتاریا ساد از مفاع دهقانان پشتیبانی کند، ولی نه در سرماه حرب که ساد محص مفاع طیفانی داسی پرولتاریا باشد، بلکه در یک قطعنامه تاکتیکی.

از اس رو استرومیلیس به همراه لبادف قطعنامه تاکتیکی منسکی به کنگره ارائه دادند که محصوای آن سادوی نقابای سرواز در روستاها و کسرس سارزه طیفانی پرولتاریا بود. اس قطعنامه همچس از مبارزات دهقانان برای مصادره زمینها عیار رسمهای سبار کوچک و تقسیم و واگذاری آنها دهقانان پسنجیایی می کرد. ۱۰ البته زمینهایی که کشت سرمایه داری روی آنها انجام می گرفت به ارگاههای خودمختار محلی انتقال می یافت. طرفداران این طرح اسندلال می کردند که طرح پیشنهادی شان بر طرح برنامه های ملی گرس، مونسیپالیزاسیون و یا تقسیم زمینها مزیت خاصی دارد، زیرا که برای شرایط متفاوت امپراتوری روسیه راههای مختلفی ارائه می دهد. آنان معتقد بودند که در شرایط ویژه روسیه که شیوه های تولیدی مختلفی در آن وجود داشت، گنجانیدن بخش خاصی در مورد مساله ارضی در برنامه حداقل حزب ضرورت خود را از دست داده بود.

وانیوشین (Vanyushin) یکی از نمایندگان بلشویک طرفدار طرح قطعنامه تاکتیکی نکته فوق را به خوبی در حصرانی خود توضیح داد. وی اظهار داشت که در بسیاری از نقاط روسیه کشاورزی سرمایه داری از توسعه قابل توجهی برخوردار بود و در بین دهقانان نمازات طبقاتی رسد بسیار یافته است. انظر وی در چنین نقاطی که سوسیال دموکراسی با روابط بورژوازی و طبقات بورژوازی و پرولتاریای روستا روبرو است، برنامه حداقل حزب کافی بوده و بسیاری به برنامه ارضی وجود نداشت. در نقاط دیگری که بقایای فئودالیسم هنوز حاکم است، می بایست از تقسیم زمینها پشتیبانی کرد. به طور حلی خلاصه، طرفداران قطعنامه تاکتیکی براس عهده بودند که در سرماه حرب سها می توان حواسهای همگی طغه کارگر را مطرح ساخت و در رابطه با محص دهقانی ساد طوطی سراط و مراحل مختلف شامل برخی قطعنامه های تاکتیکی گوناگونی را به طور سافت ایجاد کرد.

انتقاد لنین به طرح قطعنامه تاکتیکی

طرح قطعنامه تاکتیکی سبدا توسط طرفداران سرماه ارضی مورد مخالفت قرار گرفت. اینان در اسفاد خود اظهار می داشتند که قطعنامه تاکتیکی تنها می تواند روش برخورد پرولتاریا را نسبت به حرکت محص دهقانان در مرحله معینی از تکامل تاریخی

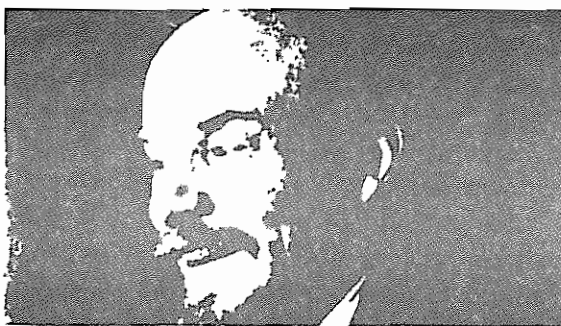
محس کند. در صورتی که سرماه ساد حواسهای را دربر داسنه ساد که راسای محص دهقانی و هدف آن را محص ساد.

لنن با طرح قطعنامه تاکتیکی کاملا مخالف بود و اعتقاد داشت که حرب طغه کارگر باید حصا بخشی از سرماه حداقل خود راه برنامه ارضی اختصاص دهد. ولی از آنجا که در کنگره سبترس حطر را از حالت نظریه مشوبگی مونسیپالیزاسیون حص می کرد، سبترس توان خود را صرف افشای محصوای سرووا - رفرمیسی اس طره ساخت که سدا نه آن خواهیم پرداخت. اما لنین در یکی از سوننه های مهم ارضی خود سمام "جدد سطر در سرماه ارضی حرب کارگران" (۱۹۰۶) سداکاهای سادرس طرفداران طرح قطعنامه تاکتیکی را مورد اسفاد قرار می دهد.

لنن نوشت که بعضی از سوسیال دموکراتها معتقدند که در سرماه حرب طغه کارگر سها باید از مفاع همگی پرولتاریا حصت کرد، ولی در قطعنامه تاکتیکی می توان حواسهایی را مطرح ساخت که با آن مفاع منطبق نبوده ولی دفاع از آنها ضروری باشد، مثل دفاع از جنبش دهقانی. لنین ادامه می دهد که انظر اینان خواست مصادره زمینها را فقط می توان در قطعنامه تاکتیکی مطرح ساخت نه در سرماه. لنین در پاسخ به طرفداران قطعنامه تاکتیکی که می گفتند "برنامه نباید با تاکتیکی قاطی شود" نوشت:

"تلاش برای ایجاد یک مرز عبورناپذیر بین برنامه و تاکتیکی تنها می تواند به اسکولاستیسیسم و خشک معز منجر شود. برنامه روابط عام و اساسی بین طبقه کارگر و طبقات دیگر را تعیین می کند. تاکتیکی روابط خاص و موقتی را معین می سازد. این البته کاملا درست است. ولی ما نباید فراموش کنیم که کل مبارزه ما علیه بقایای سرواز در روستاها، در مقایسه با هدفهای سوسیالیستی عام پرولتاریا، وظیفه خاص و موقتی است. ... بنابراین تمایز بین برنامه و تاکتیکی تمایزی نسبی است. ... ما مجبور خواهیم بود که به زودی برنامه ارضی حزب را دوباره تغییر دهیم. از این رو ما نمی خواهیم بنایی برای همیشه ایجاد کنیم." ۱۱

چنانکه از نقل قول فوق پیداست، کل مبارزه برضد بقایای



فئودالیسم در روستاها در مقایسه با مبارزه برای سوسیالیسم، مبارزه ای موقتی و گذرا است. برنامه حداقل و بخش برنامه ارضی آن اساسا برای تعیین روابط طبقه کارگر با دهقانان در مبارزه

عنه بعدای فتودالسم با عبارت دیگر برای معین این روابط در دوران انقلاب دموکراتیک تدوین می‌شود. به سخن دیگر، برنامه ارضی و برنامه حداقل می‌شوند برای عمینه کاربرد داشته‌اند. به همین دلیل است که لسی تاکید می‌کند که تمایز بین برنامه و تاکتیک تنها می‌شود یک تمایز نسبی باشد.

طرح قطعنامه تاکتیکی در کنگره با شکست سختی روبرو شد ۸۴۱ رای مخالف، ۲۱ رای موافق و ۶ رای ممتنع (۱، و کنگره لزوم تدوین برنامه ارضی را با قطعیت تمام تصویب کرد. حال ۳ برنامه ارضی ارائه شده به کنگره (یعنی تقسیم زمینها، مونیسیپالیزاسیون و ملی کردن زمینها) را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تقسیم زمینها

پس از شکست طرح قطعنامه تاکتیکی، بحث اساسی بین طرفداران ۳ طرح برنامه ارضی در کنگره آغاز شد. این ۳ طرح عبارت بودند از: (۱) تقسیم زمینها، (۲) مونیسیپالیزاسیون، (۳) ملی کردن زمینها، که به ترتیب توسط بورزیف، ماسلوف و لسی به کنگره ارائه شده بود.

اکثریت بلشویکهای حاضر در کنگره چهارم از جمله اسنالیس ۱۲ به طرح پیشنهادی لسی یعنی ملی کردن زمینها تمایلی نشان نمی‌دادند و از طرح تقسیم زمینهای پیشنهادی می‌کردند. بورزیف همگویی این گرایش بلشویکی در کنگره بود. وی در گزارش خود به کنگره متذکر شد که سوبال دموکراسی برای اتحاد برنامه ارضی حزب طبقه کارگر باید در ابتدا مصوب انقلاب روسیه را مشخص کند. از نظر وی انقلاب روسیه یک انقلاب ارضی حربه سورووای بود که هدفش چیزی جز نابودی نظام فتودالی بود. چنین انقلابی از نظر بورزیف می‌بایست کاملاً مورد پشتیبانی پرولتاریا و سوبال دموکراسی قرار گیرد و بهر سبب پسندایی عم چنین حربه دفاع از خواست گسترده دهقانان می‌شود به تقسیم زمینها بین خود نمی‌توانست باشد. بورزیف همچنان اعتقاد داشت که سیاست ارضی تقسیم زمینها اقدامی مضر بوده و باعث رند سروهای مولده سرمایه‌داری می‌شود. از حبه سیاسی سر بورزیف استدلال می‌کرد که دفاع از حسم دفاعی و سیاسی از خواست دهقانان کاملاً نبرخمدت مافع پرولتاریا قرار دارد. زیرا که دهقانان در فرایند مبارزه برای صرف زمینهای سرک و تقسیم آنها س خود، هرچه بیسر در راستای انقلاب سیاسی قرار می‌گیرند و به محدودان نیرومندن برای پرولتاریا در مبارزه برای استقرار جمهوری دموکراتیک تبدیل می‌شوند. بورزیف همچون لسی ایجاد کمیته‌های دهقانی را به عنوان تنها تشکیلاتی واقعی برای پیشبرد هدفهای جنبش دهقانی ضروری می‌دانست.

اسنالیس نیز که برای اولین بار در یک کنگره حزبی حضور می‌یافت و نماینده انحرافی از سازمان بلشویکها در تقطیس بود، ضمن دفاع از طرح تقسیم زمینها در سخنرانی خود در کنگره اظهار داشت:

"چون ما با دهقانان مبارز یک اتحاد انقلابی موفق برقرار می‌کنیم و سایر اس چون نمی‌توانیم حواسهای اس دهقانان را آماده بکنیم، ما باید از اس حواسها سیاسی کنیم، البته اگر این خواستها

به طور کلی مخالف جریان توسعه اقتصادی و انقلاب باشند. دهقانان حواسار تقسیم زمینها هستند: تقسیم زمینها مخالف توسعه اقتصادی و جریان انقلاب نیست از اس رو ما باید از مصادره کامل و تقسیم زمینها پشتیبانی کنیم." ۱۴

یکی دیگر از نمایندگان طرفدار تقسیم زمینها در دفاع از این برنامه چنین گفت:

"من از آن رو از تقسیم زمینها پشتیبانی می‌کنم که آرزوهای دهقانان را برآورده می‌سازد و در عین حال عتها رتد سروهای مولده و مبارزه طبقاتی را متوقف می‌کند، بلکه به آن باری هم می‌رسد." ۱۵

طرفداران طرح تقسیم زمینها همانند لسی برنامه ارضی خود را به مذهب دولتی که پس از انقلاب سر سر کار می‌آمد، ربط می‌دادند و بورزیف در طرح خود بر ضرورت استقرار جمهوری دموکراتیک تاکید می‌کرد. بهرغم ساهتهای زیاد بین تقسیم و ملی کردن زمینها، طرفداران تقسیم با طرح ملی کردن زمینها مخالف بودند. بورزیف ۲ دلیل عمده علیه طرح ملی کردن زمینها ارائه کرد: (۱) دهقانان از ملی کردن زمینهای سرک پشتیبانی نخواهند کرد، زیرا می‌خواهند که زمینها به عنوان ملک خصوصی بین آنها تقسیم شود: (۲) چون طرح ملی کردن کلیه زمینها حتی زمینهای دهقانان را در اختیار دولت قرار می‌دهد، دهقانان این سیاست را بخاور به زمینهای خود لغی خواهند کرد: (۳) چون دولتی که پس از پیروزی انقلاب بر سر کار می‌آید مذهب سورووایی دارد، سیاست ملی کردن زمینها با منورگر ساختن کلیه زمینهای کشور در دست این دولت، باعث نفوذب سورووایی و تضعیف پرولتاریا می‌شود. اسنالیس در رابطه با نکته آخر نوشت:

"اگر به یاد داشته باشیم که دولت آینده هرچند دموکراتیک هم که باشد، دولتی سورووایی خواهد بود، و اسغال زمین به چس دولتی، قدرت سیاسی سوروواری را افزایش می‌دهد و اس به صر پرولتاریای شهر و روسا تمام می‌شود: همچس اگر به یاد داشته باشیم که خود دهقانان مخالف "ملی کردن زمینها" خواهند بود - آگاه عدهی خواهد بود که ملی کردن زمینها مافع حسم کسی انطباق ندارد." ۱۶

انتقاد منشیوها به برنامه تقسیم زمینها

برنامه تقسیم زمینها عم از سوی لسی و بعضی بلشویکهای دیگر و هم از سوی منشیوها مورد اعتقاد قرار گرفت. منشیوها به ۲ دلیل عمده این برنامه را رد می‌کردند: (۱) تقسیم زمینها از دستگاه اقتصادی ریان‌آور است، چراکه حرده مالکی و رسیداری کوچک دهقانان را حفظ می‌کند: (۲) تقسیم زمینها از دستگاه سیاسی سر ریان‌آور است، زیرا دهقانان پس از دریافت زمین سندر ارضا شده و با سوروواری طبقه کارگر متحد می‌شود و با سوبالسم مخالفت خواهند کرد.



لبن و دهقانان

طبقه استیفاء بودن این سرمایه‌لبن با ارائه يك دليل عمده سياسي اظهار داشت كه شعار تقسيم رزميها نسي‌تواند به اندازه شعار ملي كردن در عصر و تحول وضعیت سياسي روستاها مفيد باشد. از نظر لبن طرفداران تقسيم رزميها از اين واقعيت كه دهقانان مي‌گويند "رزمين مال خداست، مال مردم است و غيره" به‌خوبي استفاده مي‌كنند. درحاليكه بايد از آرزوهای دهقانان براي آموزش سياسي آنان استفاده شود:

"ما بايد آنچه را كه دهقانان مي‌گویند، حتی اگر از لحاظ اقتصادي غيرعقلاني و بي‌معني باشد، به‌عنوان اهمي براي سلسلعات خود استفاده كنيم. ما بايد دهقانان را بگوئيم: شما مي‌گويد كه هر كسي بايد حق استفاده از رزمين را داشته باشد؟ شما خواستار اسفحال رزمين به مردم هستند؟ اس عالي است. ولي اسفحال رزمين به مردم يعني چه؟ چه‌كسي ثروت مردم و حق مالكيت مردم را در كنترول دارد؟ مقامات حكومت... آيا مي‌خواهيد كه رزمين به اين مقامات منتقل شود؟ هر دفعه‌اي مي‌گويد كه مي‌خواهد رزمين به اس مقامات منتقل شود... از اس رو ما دهقانان بوضوح مي‌دهيم كه اگر رزمين فرار است طوري به مردم منتقل شود كه به‌منفع دهقانان باشد، ضروري است كه اطمينان حاصل شود تا كليه مقامات حكومت بدون استثنا، توسط مردم انتخاب شوند." ۲۵

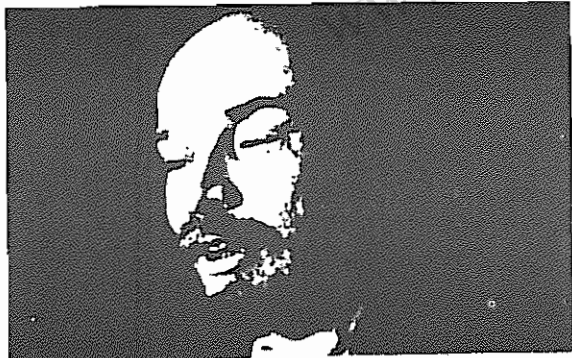
دان كني از رزميران مسوكها در پاسخ به حيراني اسالين اعلازم كرد كه وي از اس "درك سادرس" شروع مي‌كند كه كوپا سرمایه ارضي براي دهقانان سوسنه مي‌بود و سحه مي‌گردد كه ساند از كليه حواسهاي دهقانان پشنيسيائي كرد. درحاليكه از نظر دان سرمایه براي پرولتاريا ندوس مي‌بود تا موضعين را در مورد مساله ارضي محض كند. ۱۷ كني ديگر از مسوكها طرفداران محسم رزميها را به "مردم رزمي"، "حركت درجهت ساد"، "رايو ردن درمغال حواس دهقانان"، "احراف خرده‌بورروايي" و غيره مبهم ساخت.

ساري از اسفادات فوق مسوكها آسكارا بي‌اساس بود. مسوكها كه اكثرا از طرح موسسپالراسيون پشنيسيائي مي‌كردند، حيهه محددي عليه مسوكها شكل داده بودند و چيون طرح تقسيم رزميها عمدها طرحي مسوكي بود، غرضورزيه با آن مخالف مي‌ورزيد. براي مثال اسالين هر كمر معيفد بود كه ساند از كليه حواسهاي دهقانان پشنيسيائي شود، بلكه تنها آن خواستنهائي از نظر وي قابل پشنيسيائي بودند كه درمغال رسد نروهاي مولده و كسرس مبارزه طبعاي فرار مي‌كردند. طرفداران تقسيم رزميها در پاسخ به اسفاد اول مسوكها اظهار مي‌كردند كه به‌عنوان ماركسسيت مخالف هر كوزه مالكيت خصوصي بر وسايل توليد از جمله رزمين مي‌باشد. ولي مي‌تفند سرباط انقلاب دمكرانيك روسيه لغو مالكيت خصوصي را احاره مي‌دهد. آنان همچس رزميها اعلام مي‌داستند كه سرمایه‌سان به يك سرمایه سوساليتي بلكه يك سرمایه خرده‌بورروايي است، و محسم رزميها در وضع روسيه را اقدامي افلاسي مي‌داستند. طرفداران تقسيم رزميها در رابطه با اسفاد دوم مسوكها استدلال مي‌كردند كه خطر مخالفت دهقانان با سوساليسم بمسه وجود دارد. چراكه دهقانان چيون توليدكنندگان خرد و به علت مانعيت خرده‌بورروايي‌سان به‌خوي بورژوازي گراس دارند. از اس رو اس ساست محسم رزميها سست كه اس گراس را حقوق مي‌كند. طرفداران محسم رزميها معتقد بودند كه ساست محسم رزميها با سراكس دهقانان عليه رزميداران سرك، راه را براي اتحاد آنان با پرولتاريا و مبارزه سهاي براي سوساليسم عموار مي‌كند.

انتقاد لبنين به برنامه تقسيم زمينها

اسفاد اسين به طرفداران محسم رزميها اسالين اسفادات مستكفائي طرفدار موسسپالراسيون متفاوت بود. لبن سرمایه آسان را به سرمایه ملي كردن خود سكار برك مي‌دند. به‌طوريكه در به‌منفع راي گري درباره ۲ سرمایه ارائه شده به گيره، براي حلوكيري از محسم آران مسوكها و سكت دادن سرمایه مسوكي موسسپالراسيون، سرمایه ملي كردن خود را پيش كرفت و به سرمایه محسم رزميها، راي داد. ۱۸ اس وجود لبن عقده داشت كه سرمایه محسم رزميها داراي سوافس مهمي است و در حيراني خود در گيره با مقاسه سرمایه موسسپالراسيون و برنامه تقسيم رزميها كفت: "به‌نظر من موسسپالراسيون هم استيفاء و هم زبان‌آور است: محسم رزميها استيفاء است ولي زبان‌آور نيست." ۱۹ در مورد

دهفانی را به طور گجاسه‌ای سها در یرو گدسه و حال می‌گرد و نوجهی به آئنده ندارد^{۲۲} (کاند ارما است ۱۰۰ حداکثر لاس طرفداران عقسیم رسمها در آن بود که رسمهای سرك به عنوان ملك حصصی به دهفانان واگذار شود و هیچکوه رابطه‌ای سس انقلاب دموکراسك و انقلاب سوسالسی احاد نمی‌گردند. آسان صور می‌گردند که انقلاب در مرحله دموکراتيك منوف می‌شود و انقلاب سوسالسی در آئنده دور رج می‌دهد. آسان با نظریه لسنسی انقلاب می‌وفه، رشد انقلاب دموکراتيك به انقلاب سوسالسی و س‌وفه سوس اس فراسد بگانه سوند. برنامه عقسیم رسمها سها پاسحکوی ععضی هدفهای انقلاب دموکراسك بود و فراوروش اس انقلاب به انقلاب سوسالستی را در نظر می‌گرفت. و اس سرگرس انتباه طرفداران تقسیم زمینها بود. برنامه تقسیم زمینها اصلا راه رسیدن به سوسالیسم را به عنوان هدف نهایی سان نمی‌داد. درحالیکه برنامه ارضی باید به‌کلای مدوس شود که در حرکت سوس سوسالیسم وفه‌ای ایجاد نکند. سباراس اختلاف اساسی لنسین با طرفداران تقسیم زمینها نانی از دو دیدگاه مختلف از ماهیت انقلاب روسیه بود. طرفداران تقسیم زمینها از آنجا که بین انقلاب دموکراتيك و انقلاب سوسالیستی "دیوار چین" مشاهده می‌کردند، برنامه ارضی‌شان نیز بر همین تئوری انقلاب انطباق داشت. برعکس، از آنجا که لنسین بین دو مرحله انقلاب چنین دیواری مشاهده نمی‌کرد، برنامه ارضی وی نیز می‌بایست در خدمت چنین تئوری انقلاب باشد. برنامه ملی‌کردن زمینها دقیقاً برای تسهیل فراوروش انقلاب دموکراتيك به انقلاب سوسالیستی تدوین شده بود. در ادامه مقاله برنامه منشویکی مونشیالیزاسیون و برنامه لنسینی ملی کردن را بررسی خواهیم کرد.



همان طور که ارضی مول فو پیداست، اساه عمدۀ طرفداران عقسیم رسمها آن بود که جس انقلابی دهفانان را با ضرورت سرتکوی سراسم پیوند می‌دند. لسن در "تر معروف خود" "برنامه ارضی سوسال دموکراسی در انقلاب اول روسیه، ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷" به اسعاد خود در مورد اساه سوس برنامه عقسیم رسمها ادامه می‌دهد و می‌سود که اس برنامه سنام گهن رمبداری را به طور اساسی رسدش می‌کند: "عقسیم رسمها ... به معنی حفظ نصف سنام فرون وسطای رمبداری است" ۲۱ لسن در اثر نصفات دعی اقتصادی روساهای روسیه به اس سحه رسده بود که کلت سنام رمبداری در روسیه - چه زمرداری سرك و چه زمرداری کوچک دهفانی - عتب ماسه و ارجاعی است. سباراس هرکوه عقسیم زمینهای سرك بین دهفانان هج تعبیری در ماهیت عتب مانده رمبداری کوچک ایجاد نمی‌کند و سنها مفداری به زمینهای موجود دهفانان افزوده می‌سود. از اس رو لسن تاکید می‌کرد که برنامه ارضی سوسال دموکراسی باید هدفش ناودی کلیه اشکال زمرداری قرون وسطایی باشد و اس را تنها ار طریق ملی کردن کلیه زمینها میسر می‌دست. برنامه تقسیم زمینها با عدم ناودی سنام قرون وسطایی زمنداری، از رشد کشاورزی سرمایه‌داری جلوگیری می‌کند. لنسین معتقد بود که طرفداران تقسیم زمینها همان اشتباهی را مرتکب می‌شوند که سوسال دموکراسی روسیه در موقع تدوین برنامه ارضی حزب در سال ۱۹۰۳ مرتکب شده بودند. بدین معا که در هر دو مورد در میزان توسعه سرمایه‌داری در روستاهای روسیه مبالغه می‌شود: "طرفداران تقسیم زمینها از روی وظیفه تاریخی انقلاب کنونی می‌پزند: آنان تصور می‌کنند که هدفهای مبارزه عمومی دهفانان هم‌اکنون حاصل شده است، درحالیکه آن مبارزه نازه آغاز شده است" ۲۲ و اس وظیفه تاریخی از نظر لنسین چیزی جز لعو کله اشکال مالکیت حصصی بر زمس و سازکردن راه برای توسعه کشاورزی سرمایه‌داری سود.

اسعاد دیگر لسن به طرفداران تقسیم زمینها اس بود که آسان دیدگاه دهفانان پیئرو را که خواهان ناودی مالکیت حصصی بر زمس و ملی کردن زمینها بودند، از نظر دور می‌داشتند. به اس ساله عدا ستر خواهیم پرداخت.

و اما آخریس و مهم‌ترس اشهاد لنسین به برنامه تقسیم زمینها. لنسین در گزارشی که در مورد کنگره چهارم سرای کارگران سس پترزبورگ فرساده، اس پرست را سزعم مطرح ساخت که برنامه تقسیم زمینها چرا استباه است و چنس پاسخ داد: "زیرا که اس برنامه جیش

یادداشت‌ها

۱ - ناربح محترم حزب بلشویك علت برخورداری منشویکها از اکثریت را چنین توضیح می‌دهد: "بر اثر اینکه سازمانهای بلشویکی در موقع قیام ماه دسامبر و پس از آن تا ر و مار شده بودند، همه آنها نتوانستند نماینده بفرستند. از اسین گذشته در (روزهای آزادی) سال ۱۹۰۵ منشویکها عده زیادی از روشنفکران خرده‌بورژوازی را به صفوف خود پذیرفته بودند که اسان با مارکسیسم انقلابی

هیچگونه وجه اسراکی نداشتند. کافی است خاطر نشان شود که منشویکهای تغلیس به‌کنگره آن اندازه نماینده فرستاده بودند که بزرگترین سازمان پرولتری یعنی سازمان پترزبورگ فرستاده بود و حال آنکه در تغلیس کارگران صنعتی کم بودند"، ص ۱۰۳
۲ - مجموعه آثار لنسین (۴۵ جلدی به زبان انگلیسی)، جلد ۱۰، ص ۳۱۲
۳ - همانجا، ص ۳۱۴

- ۴ - رجوع سود به پیوست شماره ۱، طرح برنامه لیس و "حق الف" آن.
- ۵ - مس کامل اس برنامه در پیوست شماره ۲ آمده است.
- ۶ - لیس، جلد ۱۰، ص ۱۷۵.
- ۷ - همانجا، ص ۱۷۷.
- ۸ - در موقع رای گیری درمورد این طرح نتیجه زیر به دست آمد:
۸۳ نفر موافق تصویب برنامه ارضی، ۲۱ نفر مخالف و ۶ نفر امتنع.
بدین ترتیب معلوم می شود که ۲۷ نفر از حامدگان به نوعی مخالف داسن برنامه ارضی بودند.
- ۹ - رجوع سود به پیوست شماره ۳.
- ۱۰ - "صورت جلسات کنگره چهارم (کنگره وحدت) حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه" ص ۸۵. این صورت جلسات تنها به زبان روسی موجود است و منبع ما چاپ روسی زیر بوده است:
Chetvyorty (Obyedinitelny) syezd RSDRI, Protokoly, aprel 1906 goda, Moskva, 1959.
- ۱۱ - "تجدید نظر در برنامه ارضی حزب کارگران"، جلد ۱۰، ص ۱۷۸.
- ۱۲ - اسالین بعد از درموردی برنامه محسیم زمینها و دیدن سیر نظریه لسانی ملی کردن زمینها نوشت: "شما بعدها وقتی که ثوری لیس درمورد ضرورت فراورین انقلاب سوسیالیستی به انقلاب سوسیالیستی در روسیه به خط راهنمای حزب بلشویک تبدیل شد، عدم سوافتها درمورد مساله ارضی در حزب از بین رفت. زیرا کاملا آشکار شد که در کسوری مثل روسیه - که در آن شرایط خاص توسعه زمبه را برای

- رشد انقلاب سوسیالیستی به انقلاب سوسیالیستی فراهم کرده بود - حزب مارکسیستی نمی توانست هیچ برنامه ای غیر از برنامه ملی کردن زمینها اختیار کند" (مجموعه آثار اسالین، جلد اول، پیوستار).
- ۱۳ - صورت جلسات کنگره چهارم، ص ۷۶. برای مطالعه طرح یوریف مراجعه شود به پیوست شماره ۴.
- ۱۴ - همانجا، ص ۷۹.
- ۱۵ - همانجا، ص ۱۰۷.
- ۱۶ - اسالین، مجموعه آثار، جلد ۱.
- ۱۷ - صورت جلسات کنگره چهارم، ص ۸۱.
- ۱۸ - اسالین قصد داشت در صورتیکه برنامه تقسیم زمینها اکثریت را به دست آورد و برنامه منشیویکی مونیسیپالیراسیون با شکست مواجه شود، آنگاه طرح برنامه ملی کردن خود را به عنوان اصلاحیه ای بر برنامه تقسیم زمینها به کنگره ارائه دهد. رجوع شود به صورت جلسات کنگره چهارم، ص ۱۲۴، و مجموعه آثار لنین، جلد ۱۰، ص ۲۸۶.
- ۱۹ - صورت جلسات کنگره چهارم، ص ۱۲۳. مجموعه آثار لنین، جلد ۱۰، ص ۲۸۶.
- ۲۰ - مجموعه آثار، جلد ۱۰، ص ۲۸۷.
- ۲۱ - مجموعه آثار، جلد ۱۳، ص ۲۸۹.
- ۲۲ - همانجا، ص ۲۹۳.
- ۲۳ - مجموعه آثار، جلد ۱۰، ص ۴۵ - ۳۴۴.

پیوست ها

۱ طرح برنامه ارضی لنین

برای نابودی بقایای نظام سراز، که فشار طاقت فرسایی مستقیماً بر دهقانان وارد می کند، و برای تسهیل رشد آزاد مبارزه طبقاتی در روسیه، حزب حواسار موارد زیر است:

- ۱- مصادره کلیه زمینهای کلیساها، صومعه ها، خاندان سلطنتی، دولت و ملاکان؛
- ۲- تشکیل کمیته های دهقانی به منظور نابودی فوری کلیه آثار بروت و اسرار ملاکان و در اختیار گرفتن عملی زمینهای مصادره شده، تا اینکه مجلس موسسان منتخب همه مردم نظام ارضی جدیدی را ایجاد کند؛
- ۳- لغو کلیه مالکیتها و خدماتی که عمالکون ادهقانان، رعایان و غنیه مالکیت برادر را می برد؛
- ۴- تحویل کلیه ممالک به ارضی کند دهقانان را از اسفاده از زمین ها محروم می کند؛

دموکراتیک سوسیال است. حزب* لغو مالکیت خصوصی بر زمین و اسفال کلیه زمینها به همه مردم به عنوان اموال انسانی را حواسار خواهد شد.

علاوه، هدف حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در هر شرایطی و تحت هر وضعیت رفهرم ارضی دموکراتیک به فرار زیر است:

لایس مداوم برای سازماندهی طبقاتی مستقل پرولناریای روسیه؛ توضیح این مساله به پرولناریای روسیه که مافعس با مافع سوزواری دهقانی به طور آسنی باید سوزی در ضد است؛ همدار به پرولناریای روسیه که چهار وسیله مالکیت در مفااس کوچک سود، بر ا اس سوع مالکیت می تواند تا موقعی که تولید کالای وجود دارد، فقر محدود در میان سوده ها را ارسن سوز؛ و بالاخره، پیافساری به ضرورت لك انقلاب سوسیالیستی کامل به عنوان سها، سله نابودی ممالک قدر و استثمار.

* حق الف

*** حزب ار کوسس دهقانان انقلابی برای لغو مالکیت خصوصی بر زمین پیافسانی کرده و حواسار اسفال کلیه زمینها به دولت است.

(مصح: مجموعه آثار لنین، جلد ۱۰، ص ۵ - ۱۹۴)

۴ برنامه ارضی حزب مصوب کنگره دوم ۱۹۰۴

۴ قطعنامه پیشنهادی استرومیلین و لیادف

برای نابودی بقایای نظام سرواز، که فشار طاقت فرسایی بر دهقانان وارد می‌کند، و برای پیسرد روند آزاد مبارزه طبقاتی در روستا حزب فل آر هر چیر خواستار اجرای معاد زیر است:

۱- الغای دیون مربوط به بازخرید زمین، رانت اسمی، و تعهدات دیگری که در حال حاضر برعهده دهقانان به عنوان یک طبقه مالیات پردار قرار دارد.

۲- لغو تمام قواصی که دهقانان را از فروش زمین‌هایش منع می‌کند.

۳- بازگرداندن تمام وجوهی که به عنوان دیون مربوط به بازخرید زمین و رانت اسمی از دهقانان اخذ شده است؛ و برای اس مظهر مصادرله اموال کلاها و صومعه‌ها، و همچنین مصادرله رزمیه‌های متعلق به امپراتور، ارگانه‌های حکومتی و افراد خانواده تزار؛ وضع مالیات و بیزه‌ای بر املاک زمیندارانی که از وجوه پرداخت شده دهقانان برای بازخرید زمین وام دریافت کرده‌اند؛ سپردن وجوه به دست آمده در صندوق عمومی خاصی جهت نیازهای فرهنگی و حیریه‌ای جوامع روستایی.

۴- ایجاد کمیته‌های دهقانی برای:

الف - بازگرداندن زمینهایی که در موقع الغای سرواز (۱) در سال ۱۸۶۱)) از تصرف دهقانان جدا شده، و هم اکنون به عنوان وسیله‌ای جهت درانقیاد نگهداشتن آنها توسط زمینداران مورد استفاده قرار می‌گیرند، به جوامع روستایی. (از طریق مصادرله یا در صورت انتقال زمین به دیگران، از طریق خرید توسط دولت به هزینه متصرفات وسیع اشرافیت)؛

ب - بازگرداندن زمینهایی که در قفقاز هم اکنون دهقانی به عنوان "خیرانی" و غیره با قراردادهای موقت در دست دارند به خود آنان؛

ج - از بین بردن بقایای نظام سرواز که در اورال، آلتای، ناحیه غرب و نواحی دیگر محفوظ مانده است.

د- سرخورداری دادگاهها از حق تخفیف اجاره‌های سین از اندازه و کان لم یکن اعلام کردن تمام معاملاتی که بیاسگر روابط بندگی باشند.

۱- رانت اسمی (quit rent)، رانتی که دهقان به جای انجام سبکازی به مالک می‌پرداخت.

۲- خیزانی (K h i z a n i) به دهقانان بدون زمین گرجستان گفته می‌شد، که طبق شرایط معینی بر روی زمین ملاکان کار می‌کردند. این دهقانان رسماً سرف نبودند و از بعضی آرادهای شخصی برخوردار بودند. فرم ارضی سال ۱۸۶۱، اینان را در سر نمی‌گرفت و وابستگی‌شان به ملاکان قطع نند.

(منبع: قطعنامه‌ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۹۱۷ - ۱۸۹۸، ص ۴۰ - ۳۹، از انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - کمیته خارج از کشور)

با توجه به آنکه تمام طرح برنامه‌های ارضی ارائه شده دارای ماهیت موقتی و صرفاً تاکتیکی است و برنامه ارضی سوسیال دموکراتها و حزب پرولتری می‌باید کلاً ماهیت دیگری داشته باشد، کنگره حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه مقرر می‌دارد که برنامه ارضی مصوب شده در کنگره دوم لغو شود و [بجای آن] قطعنامه تاکتیکی درباره مساله ارضی که سطحی با لحظه کنونی باشد، مصوب گردد.

(منبع: صورت مجلس کنگره چهارم، ص ۱۴۹)

۴ طرح برنامه ارضی بوریف (تقسیم زمینها)

برای نابودی بقایای نظام سرواز که فشار طاقت فرسایی مستقیماً بر دوش دهقانان وارد می‌کند و حتی اشکال جدید اسارت و بندگی و عیت از آن نشأت می‌گیرد، و به خاطر روند آزاد نیروهای مولده و مبارزه طبقاتی در روستا و ایجاد یک نظام دموکراتیک در روسیه، حزب ضمن پشتیبانی از آرمانها و آرزوهای انقلابی دهقانان تا سر حد تصرف زمینها، برای تحقق خواسته‌های زیر مبارزه می‌کند:

۱- تشکیل کمیته‌های دهقانی - به عنوان نکل سازمانی جنس دهقانی - به منظور نابودی فوری کلیه آثار قدرت و امتیازات ملاکان و در اختیار گرفتن عملی زمینهای تصرف شده، تا اینکه مجلس موسسان منتخب همه مردم نظام ارضی جدیدی را ایجاد کند؛

۲- لغو کلیه مالیاتها و تعهدات دهقانان که به وضعب اجتماعی خاص آنان مربوط است؛

۳- لغو کلیه قوانینی که دهقانان را در استفاده از زمین‌شان محدود می‌کند؛

۴- دفاع دادگاههای منتخب مردم از دهقانان در مقابل استثمار مفرطی که از طریق اجاره‌های سنگین و مبادلات اسارتناز بر آنان تحمیل می‌شود؛

حزب سوسیال دموکرات معتقد است که هرگونه گام اساسی در جهت بهبود وضع زندگی دهقانان تنها در یک جمهوری دموکراتیک امکان پذیر است و بدون پیروزی قطعی انقلاب دموکراتیک تصرف زمینها امری جزئی و سی‌تات است. حزب همچنین اعتقاد دارد که مبارزه دهقانان برای خواست زمین آنان را مجبور می‌کند که با پرولتاریا در مبارزه سیاسی با سرحد پیروزی قطعی انقلاب دموکراتیک متحد شوند؛ و این پیروزی در صورتی شکیم می‌شود که مالکک زمین از طبقات و افسار جامعه کهن که بنایه وضعب اجتماعی‌شان ارضی‌ها هستند گرفته شده و به جمعیت کشاورز اسفال باشد. سایرین حزب سوسیال دموکرات در مجلس موسسان ملی [آینده] از خواست مصادرله کلیه زمینهای ملاکان، کلسا، صومعه‌ها، و موقوفه، و غیره پشتیبانی خواهد کرد، درحالیکه:

۱- جنگلها، راههای آبی، معادن و کلیه مامعی که دارای اهمیت ملی هستند، باید تحت مالکیت دولت دموکراتیک قرار گیرند؛

اخبار جهان

طن اعظمه‌ای اظهار کرد " ما دوازه و خام دموکرات مسخره را در اس عمل حاکمیت مسوول می‌دانم." از طرف دیگر ۴۵۰۰ س از دارمندان اداره احتشاش که از آت‌ها کسب مسطور ما بردن دستبردنا در اعتصاب سر می‌برد، اعلام کردند که همچنان به اعتصابات ادامه خواهند داد.

اخبار ایران

حال بازرسی فروش مهمات جنگی است و اسناد و مدارک بسیاری در این مورد

به دست ما رسیده ولی از آنجا که تحقیق و بازرسی اسن مساله در جریان است قادر بسم توضیح بیسری بدیم."

وزیر تجارت خارجی سوند Hellström و اولف یالمه نخست وزیر سوند نا کنون حاضر شده‌اند به سوالهای خبرنگاران در این زمینه پاسخ صریحی بدعند.

قرارداد تالبوت با ایران

ما به گزارش روزنامه نایمز مالی تاریخ ۵ ژوئن ۸۵ کمپانی تالبوت، وابسته به شرکت یزو فرانسه، در پی قرارداد ساله ۱۳۰ میلیون دذری خود با ایران در مورد ارسال لوازم یدکی ماشین چهار مشکلات جدیدی شده است. کمپانی تالبوت تصمیم دارد بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارکنان بخش موتورسازی این

کمپانی را در کاوستری بکار کند. (در اس محس ۲۴۵۰ کارگر کار می‌کردند) بیس از ۳۰۰۰۰ قطعه لوازم یدکی در انبار این کارخانه باقی‌مانده و از آذرماه ۶۳ (نوامبر ۸۴) هیچ قطعه‌ای به ایران ارسال نشده است. در چند سال اخیر قراردادهای پرسود تالبوت با ایران بارها با مشکلات سیاسی - اقتصادی روبرو شده است.

بنا به نوشته نایمز مالی قرارداد پیچیده مبادله کالا با نفت که طرف سوم آن شرکت نفتی KRUP آلمان است، به علت اختلافات شرکت کروب با شرکت ملی نفت ایران در مورد قیمت استخراج نفت با اشکال روبرو شده است. با اینکه کمپانی تالبوت عقیده دارد که در حال حاضر نمی‌تواند در حل مساله کمک بکند، نمایندگان خود را به ایران فرستاده است.

لنین و برنامه ارضی

مباحثات مکرره چهارم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۹۶۶

۲- زمشهایی که کشاورزی جمعی سر روی آنها امکان پذیر است، باید تحت مالکیت ارگانهای خودگردان محلی درآیند؛

۳- ولی پس از تعیین حقوق و حدود مناطق مختلف، مابقی اراضی باید به عنوان پشتوانه لازم برای گشت دهقانی به مالکیت کامل دهقانان درآمده و در عین حال کل رمنها معمول مالکیت سر درآمد تصاعدی باشد.

درکار خوانشهای فوق، حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه با ترک اینکه رمنهای جدید تنها درخدمت رشد سوزووا - سرما به داری سبسر کسور خواهد بود، وظائف زیر را تحت هر وضعیت رفرم ارضی دموکراتیک برای خود تعیین می‌کند: تلاش مداوم برای سازماندهی طبقاتی مسفل پروولتاریای روستا؛ توضیح اسن مساله به پروولتاریای روستا که مافعس ما مافع سوزواری دهقانی به طور آشنی سایدوی در تضاد است؛ همدار به پروولتاریای روستا درمورد هرگونه نوعی در رابطه با کسب کوچک که با وجود تولید کالای هرگز نمی‌تواند فقر موجود درپسین توده‌ها را ارسین سرد؛ و سائخره، تاکد بر ضرورت انقلاب سوسیالیستی کامل به عنوان سها روس سایدوی تمامی فقر و استثمار.

(منبع: صورت جلسات کنگره چهارم، ص ۵ تا ۷)

مباحثه با چری آدامز

۴۵

محاکمه جمهوریخواهان بمخاطر عطیات نظامی در ایالات شمالی و یا در حاک انگلیس است.

تدبیل فرآورده‌ای از زندانبان جمهوریخواه از زندان لفاست در سال ۱۹۸۱، تعدادی از آنان در ایالات حوسی دستگیر شدند و عم اکنون به جرم فرار از زندان انگلیس در حال گذراندن محکومیت‌های دراز مدت‌اند. اسر داد جمهوریخواهان به دولت انگلیس بمخاطر شرکت در عطیات نظامی علیه سبروهای اشغالگر و برای محاکمه در شمال سیز جبهه‌ای دیگر از ممانات دولت جنوبی با امیرالیم سربانیا است. البته دذیل این امر نامنا مشخص است. دو حزب عمده در ایرلند جنوبی " فابا فیل " و " فای گیل " که دولتهای پیاپی حوب را سکل می‌دند، هر دو جریانانی محافظه کار و راست‌رواند. متلا متحدین این دو حزب در پارلمان اروپا احزاب کلیست و دموکرات مسیحی‌عایند. سرحلات سایر کسورهای اروپایی، ماسفانه جو سیاسی در حوب ایرلند محور قطب سدن چپ و راست پیدا سئره و حشفا، مادامی که شمال و حوب کسور از سحر سیاسی مجرا با سده چس قطب سدن حاصل نخواهد شد. مافع احزاب راست سیز جریه ایرلند را در شرایط حاضر ایجاب می‌کند.

سازمان صریک‌های فدائی خلق ایران

ایستاسی	پوند	ج - ۳۰	۲۰۰	سزور خرسی	۷۰
معمود احمد راء	۸۶	اسرائیل	لیر/هزار	کمیسه مظالمانی	۲۲
رفعی مختصر	۳۵۳	سویس - هیت	۲۳۶۰	کمیسه مظالمانی	۳۰
۸/۲۰		اندیش پوسا		اقتصاد (۱۱)	
رفعی حسی	۲/۸۰	بلجیا - هیت	۲۱۰۳	کمیسه مظالمانی	۱۰۵
- سن	۲۵	کار		رفعی کسیر استدر	
رفعی ولر	۲۰	سویس - هیت	۶۹	م. پوسا	۳۰
معدسحان	۶۰	جها		مداسی شید	۵۰
لنس	۲۰	سوردا - هیت	۶۳	احمد رسرور	
- لندن	۳۵	معمودرا کامانی		کسور سر	۵۱
رفعی کاردیف	۲۲	اوار ۵۷	۱۰	مداسی شید	۵۰
لنس	۴۵	تادووا - هیت	۲۵	مدی خا سراه	
لنس	۵۵	اول ماء		مدون کد - ۲.۵	۲۵
مدون کد	۲/۲۰	هازی علامان لگرودی	۳	هلید	فلورون
سویسول	۱۰	واحد ساری	۱۵	رفعی حسی جب سرکه	
و - لوسون	۱۱	واحد وسر	۶/۲		
لنس ۳	۱۶	سارمان اسرائیل	۱۶۵	جها	۲۵
لنس	۱۰	کرون		لمار	۵۰
کار	۱۸	هواداران سچفا	۱۲۲۰	ماهرجان	۲۵
م - اسرائیل	۴۰	در اسکلم			
رفعی ولر	۲۵	ساک	۲۰۰	رفعی شید سرسی	۵۰
لنس	۲۵	سعد سلطانپور	۱۵۰	رفعی داوود سوری	۵۰
ک - و ۱۲	۵	رفعی م	۵۰۰	رفعی سعدالاسر	۵۰
دونی - ۱	۱۰	دامارک	۹۰۰	راهدار	
الف - ۲۶	۱۰	- محمد اشرف		رفعی ملی اوس	۲۰ دلار
لندن - محمد	۱۷	ب. پ. ش.	۱۰۰۰		
سلطانپور	۱۷	ب. ب.	۳۰۰		
محمد اشرف	۲۵	ب. ا.	۵۰۰		
۸ سر	۱۰	ب. پ.	۳۰۰		
سعد سلطانپور	۳۰	ه. س.	۲۰۰		
سعد سلطانپور	۲۰	ساک	۱۰۰		
۸ سر	۱۵	فرل	۱۰۰		
ج - ۱۱۱	۵۰	اعلاب	۱۵۰۰		
۲ - ۲۰	۱۰	کانادا	دلار		
		مدون کد	۶۶/۲۰		

با کمک‌های مالی خود سازمان جریکهای مدائی خلق ایران را در پیشبرد امر انقلاب باری بسازد!

”همانگونه که آگاهید، سازمان حرکتی فدائی خلق ایران سزا با پشت سر گذاردن یک دوره سخت و با تحمل صدمات سنگین هم اکنون در ادامه فعالیت های گسترده و وارساری تشکیلات در سراسر ایران وظائف سنگینی به عهده دارد.

در خارج حوس سياسي و منظور سرمم بحث‌هاي آسب‌دیده تشکلات ، به‌ویژه نامی سازهای تکیکی به کمک‌های مالی شما ساز داریم . به‌هر ترتیب ممکن با جمع‌آوری و رساندن کمک‌های مالی خود ، سازمان را در جهت اهداف انقلابی باری رسانید ... "

سارمان چریکهای فدائی خلق ایران
- کمیته خارج ارکسور

۲۵	مرسه اسکوی
۱۰۰	رمق علی آرش
۲۵۰	ترود سرداسی
۴	کدو رحمان ملسی سوده اب
۱۵	رادسو مدائی
۱۵	رادسو مدائی
۴۸	سلطان سپور
۴۰	ادسو مدائی
۱۰	ابس ا
۴۰	سلطان سپور
۱۸۰	سانداگو - سوتولب سرت
۲۴۴	سمار
۱۷۰	ج. ۹۱۴
۳۰	مما می - آرش
۲۸	مما می - توکل
۴۵	مما می - رادبو مدائی
۲۵	مما می - حبا
۲۷	مما می گلسوهای خون
۵۰	سرکلی - سز
۲۰	رمی اسکندر
۲۰	رمی هادی
۲۰	ع. سوپورک
۵	ف. ن.
۵۰	شکاگو ...
۵۰	ن. سلطان سپور
۴۴۰	رفعی مراهه
	<u>اتریش</u>
	<u>شیلک</u>
۵۰۰	راهب مدائی
۲۵۰	غله لبرالم
۲۰۰	راه صد سرگی
۱۰۰	درسعد
۱۰۰	سحر
۲۰۰	ندای مدائی
۱۰۰	رفعی مارر گوسست
۱۰۰	ساکل
۸۲۱	سارمان داسخوان اسکوی وس - اسرتی هوادر جیفا
۵۰۰	کمنه حاج ارکثور
۲۴۰	سارمان وس
۱۰۰	آراد
۱۰۰	سود گد
۱۱۰	درسعد
۲۰۰	رمی اسانس
۵۰۰	حکمل
۱۰۰	اتر سواولسم
۵۰۰	مرگ سرفای سفل
۵۰۰۰	هوادران جیفا - اسسورک

يا كرمي بالي فود

ساز و فن و بهر شکلی فدای خلق ایران

وادی امرانقلاب پاریس

آلمان غربي	مارک	فرانسې
ما سې		
حش سورور	۴۰۰	۲۰۰
ساک اښان	۲۰۰	۲۱۰
دارمونتات		۲۰۰
ه. م. .	۲۶۰	
سرامه عمل	۳۱۰	
شربه کار	۹۵	
سرگردانت ساهاکل	۳۵۰	
گردنان	۲۰	
رفعاي کوسکي	۵۰	
حش سورور	۸۰۰	۲۶ - ۲
رادومداسي	۲۵	۲۶ - ۳
ها سور		۱۸۸
کسمه اولعافه	۱۰۰۰	۳۵
پرشي		۲۲۲
رفو نقد	۲۲۰	۲۰
رفو ابراعطي	۲۵	۴۶
سراشواک		۶۵
رفو شاه جي	۵۰۰	۱۳۰
هامورگ		۲۵
رفو احمدزاده	۶۰	۱۰
رفو کاظم	۱۳۰	۳۵
رفو هادي	۱۳۰	۲۰
رفو اکيدر	۶۰	۸۰
رفو حري	۲۰	۳۰
رفو روي آهنگران	۸۵	۲۰
سرگردانت	۳۹۲/۲۳	۱۰
ساکل وسم		۱۰
شهزاي ساهاکل	۲۳/۸۶	۲۰
رفو اشرف بهکتن	۲۰	۱۰۰
رفو احمدزاده	۲۰	۱۳۰
رفو هادي	۲۰	۲۰
هغه ران	۶۲	۱۰
کسمه تاراج ارکنور	۵۰	۱۰
فرايکيور		۲۰۰
رادومدای مدای	۹۰	۱۰
سظام	۱۰۰	۱۰
انفلات	۵۰	۱۷۰
کوسکي		۲۰
واحد	۸۰۰	۶۱
کل سرحي	۱۰۰	۲۰
سورور	۲۵۰	۱۰
هش سورگ		۵
پ. ب. محمد		۱۰۰
		۵



گرامی باد خاطره رفیق شهید

ندایی خلق فرهاد دادور

رفیق فرهاد دادور در خانواده‌ای معسر متولد شد و سال هرازان فرزند رجب و کار با درد و محرومیت‌های جامعه آشنا گردید و رسیدگی را وقف نیکس آلام رجبکشان کرد. در طی سال ۵۷ با ملی سران کینه سینه رژیم و اسبه سلوی، همراه با کارگران و رجبکشان به فعالیت‌های خود افزود و طی اس سال بود که با سازمان آشنا شد و از آن پس با شوری امرو در کنار هرازان هوادار دیگر در راستای اهداف حسی‌ای مشرد.

رفیق مبارزه را راهی ترس و حم می دانست و بر اس اساس پس از اشعاب فرمت طلبان حاشی با عامی سرو به آشنا و طرد آن برحایت و در اس راه لحظه‌ای درنگ نکرد، زیرا طی سالها رسی در فقر، دندن رجب هری استعمار سربای کارگران و رجبکشان اس را آموخته بود که حکوه اروپای هاسپوی سمار، جیره و فتح سارتکاران را در هر لسانی شناسد. رفیق خاطر فعالیت‌های مبارزه دسگرند و هر بار سزار آزادی با سروي سنی از سینه سگر مبارزه بارگشت. رفیق فرهاد سراز ۳۰ مرداد ۶۰ مسئولیت

رفقا و دوستان

کمک‌های مالی خود را به حساب رسر واریز نموده:

A.A.II

739066 F
CREDIT LYONNAIS
134 Bd. VOLTAIRE
75011 PARIS, FRANCE.

و رسد آن را همراه کد موردنظر به آدرس زیر ارسال نمایید.

A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS, CEDEX 12
France.

عس سری را سب به گذشته در سکتلاب سدرمتا اسکه در سارسج ۱۳ آبان ۶۰ در لیکه اورای سرج اعطال را که با حون رفیاسی سوشته شده بود سوی محله رجبکشان می شد در سهران دسگرند و سزار سحمل رورها شکحه سسبا ساداران سزمانه در سارسج سوم دسماه ۱۳۶۰ با اسالی موسر از گذشته سسبه رهاسی کارگران و رجبکشان به شهادت رسد. آثار شکحه به طور فاحشی سندن رفیق سش سبه بود و هر گوشه‌اش سمانا سگر حساب

سادش گرامی باد

شما می‌توانید نشریات "کار"، "ریگای گهل"، "جهان" را از طریق آدرس‌های زیر تهیه نمایید

آفریقا	۱۲۷ شماره - ۱۲۰ تلک ۱۲۱ شماره - ۲۲۰ تلک	IGV IRANISCHER STUDENTEN VERBAND 1150 WIEN-VOGELSANG 1050 21 26, AUSTRIA
آلمان غربی	۱۲۱ شماره - ۱۵ مارک ۱۲۲ شماره - ۲۵ مارک	AUSTFACH 1053 7500 KARLSRUHE WEST GERMANY
آمریکا	۱۲۱ شماره - ۸ دلار ۱۲۲ شماره - ۱۵ دلار	PAHAN P.O. BOX 75729 LOS ANGELES, CA. 90075 U.S.A.
انگلستان	۱۲۱ شماره - ۶ پوند ۱۲۲ شماره - ۱۱ پوند	115 B.M. KAR LONDON W8N 3XX ENGLAND
ایتالیا	۱۲۱ شماره - ۹۰۰۰ لیر ۱۲۲ شماره - ۱۷۰۰۰ لیر	" C.P. 6329 ROMA PRATI ITALIA
بلژیک	۱۲۱ شماره - ۵۰۰ فرانک ۱۲۲ شماره - ۹۰۰ فرانک	" C.P. 8 1055 BRUXELLES 5 BELGIQUE
دانمارک	۱۲۱ شماره - ۹۰ کرون ۱۲۲ شماره - ۱۸۰ کرون	" C.P. 287 1055 COPENHAGEN DENMARK
سوئد	۱۲۱ شماره - ۸۰ کرون ۱۲۲ شماره - ۱۲۰ کرون	115 B.M. 50057 1055 STOCKHOLM SWEDEN
فرانسه	۱۲۱ شماره - ۲۰ فرانک ۱۲۲ شماره - ۱۲۰ فرانک	" C.P. 54 75011 PARIS CEDEX 12 FRANCE
کانادا	۱۲۱ شماره - ۱۰ دلار ۱۲۲ شماره - ۱۸ دلار	115 POST OFFICE MONTREAL CANADA
هلند	۱۲۱ شماره - ۱۸ فلورین ۱۲۲ شماره - ۲۲ فلورین	" B. 11491 1055 G.L. AMSTERDAM NETHERLAND

گرچه ما میگذریم

راه میماند



غم نیست!

رفیقان مرگ تو را باور نمیکنند،

چرا که دشمن

به مرگ تو باور نکرده است.

مرگ تو صفوف خصم را

از هم شکافت

و دیدند همستران تو

تضاد دشمن خلق را

با شهادتای رفیق!

بهدیاد

هزاران

شهید گمنام

خرداد و تیر ماه

اسامی برخی از شهدای فدایی خرداد ماه
و تیر ماه



تاریخ شهادت

نام و نام خانوادگی

۱۳۵۵ سر ۸
۱۳۵۵ سر ۸
۱۳۵۵ سر ۸
۱۳۵۵ سر ۸
۱۳۵۵ سر ۸
۱۳۵۶ سر ۱
۱۳۵۶ سر ۱
۱۳۵۷ سر ۱۰
۱۳۵۷ سر ۱۰
۱۳۵۷ سر ۱۰
۱۳۵۸ سر ۲۱
۱۳۵۹ سر ۶
۱۳۵۹ سر ۲۳
۱۳۶۰ سر ۱
۱۳۶۰ سر ۶
۱۳۶۰ سر ۷
۱۳۶۰ سر ۷
۱۳۶۰ سر ۱۰
۱۳۶۰ سر ۱۸
۱۳۶۰ سر ۲۰
۱۳۶۰ سر ۲۱
۱۳۶۰ سر ۲۱
۱۳۶۰ سر ۲۷

۲۲ خرداد ۱۳۴۹ طاهره حرم
۳ خرداد ۱۳۵۰ عسکر حسن اسرده
۳ خرداد ۱۳۵۰ محمد مهدی فوقانی
۳ خرداد ۱۳۵۰ علامعلی خراط نور
۹ خرداد ۱۳۵۰ علی اکبر وری
۱۱ خرداد ۱۳۵۲ کاظم غبرائی
۲۸ خرداد ۱۳۵۲ محمدعلی حسروی اردسلی (در طهار)
۲۸ خرداد ۱۳۵۴ امیرالسادات حسینی
۲۸ خرداد ۱۳۵۴ آدره احمد هاشمی
۵ خرداد ۱۳۵۵ سمن سوکلی
۵ خرداد ۱۳۵۵ علامرضا خلایلی
۸ خرداد ۱۳۵۵ دکر برسمسا
۲۱ خرداد ۱۳۵۵ آدر آبادی
۲۱ خرداد ۱۳۵۷ سمن راست حدسو
۱ خرداد ۱۳۵۷ محمدرضا (امیر) فصاحت آزاد
۱ خرداد ۱۳۵۷ علیرضا الهاسی
۳۱ خرداد ۱۳۵۷ سعید میرا
۳۱ خرداد ۱۳۵۷ علی خصوصی
۲۲ خرداد ۱۳۶۰ اکبر حق سان
۲۲ خرداد ۱۳۶۰ حبیب بخشی کسر
۲۲ خرداد ۱۳۶۰ صرو مائی
۲۱ خرداد ۱۳۶۰ سعید رضایی
۳۱ خرداد ۱۳۶۰ علی اکبر حدریان
۳۱ خرداد ۱۳۶۰
۳۱ خرداد ۱۳۶۰
۱۲ خرداد ۱۳۶۱
۲۰ خرداد ۱۳۶۱
۲۷ خرداد ۱۳۶۱

حسن سک داوودی
امیر پرویز پویان
رحمتالله پیرو مدیری
ابیکدر صادقی نژاد
سهرور دهغابی
حبیب سزادران حسروشاهی
علیرضا شهاب رضوی
حسرو ترهگل
حسن سلاهی
مریم شاهی
آدر شاگان شاماسی
منا طالبزاده شوشری
علی رحیمی علی آبادی
حسن موسوی دوستدموجالی
رفعت معماران سام
لسمان سوسه حاجی محله
سعید معینی
حسن معصومی همدانی
ماریا کاطلی
محمود میرا
مهدی سپهوان
سعید سلطاسور
موجهر اوسبی
جعفر میر نژاد
سپهر آدریان
سعید شاعور
شهرام میرایی (همد)
ولی سوسی

اسامی چند تن از شهدای سازمانهای دیگر

شهدای سازمانهای دیگر

تاریخ شهادت

سازمان

نام و نام خانوادگی

۳۱ خرداد ۱۳۶۰
۲۰ خرداد ۱۳۶۲
۱۲ خرداد ۱۳۶۱
- خرداد ۱۳۶۱
۲۴ خرداد ۱۳۶۲
۴ خرداد ۱۳۵۱
۴ خرداد ۱۳۵۱
۴ خرداد ۱۳۵۱
۴ خرداد ۱۳۵۱

بیگار
حرک فدایی
گومهله
اتحاد مبارزان
کمونیست
حزب دمکرات
مجاهدین
مجاهدین
مجاهدین
مجاهدین

محسن فاضل
حمید امیرشکاری
محمد حبیب ارحمد
رهرا دانشور
محمد دجو
سعید محسن
بدیع رادگان
عسکروزاده
مشکین نام

کاظم سلاهی
احمد حرم آبادی
مارسک فاراربان
سرهبالسادات روحی آهگران
علامعلی نور نعمه
محمود عظمی لوربان
بداله رارع کاسری
عبداله سعیدی سمدخی
حمید اشرف
سوف فایع جنگسجاری
علامرضا لایق مهربانی
رما سترسی
فاطمه حسینی
محمد حسن حقپور



قطعه‌ها و تصمیحات
حزب کارگر
سویال دموکرات روسیه
۱۸۹۸ -

www.iran-archives.com

از انتشارات

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - کمیته خارج از کشور

برای تماس با جهان با نشانی زیر مکاتبه کنید:

JAHAN , P.O. BOX 274 , GLASGOW G41 3XX, UNITED KINGDOM